



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرکز برای تبلیغ
و تکمیل زنجیرش

پناه ۵۰۰۰

تیرومرداد ۶۸ - ۳۰ صفحه

سال چهارم شماره ۲۷

ورشکستگی رویزیونیستها مستمکی برای تبلیغ بر علیه کمونیزم

رویدادها بر علیه کمونیزم و تئوسوری
ظفر نمون کارگران مارکسیسم - لنینیسم
لجن پراکنی نموده و از "آخرین تلاشها
و تکانهای مکتب" کمونیزم و
"فروریختن ساختمان کمونیزم"
سخن گویند؛ و البته این امر
عجیبی نبوده و نیست
در صفحه ۵

تحولات و رویدادهای شوروی، چین،
لهستان و غیره که بار دیگر به روشنی
ورشکستگی رویزیونیستهای حاکم بر این
کشورها را در مقابل طبقه کارگر و
توده های ستمدیده قرار داد، فرصت
نازدهای بدست دارو دسته های رنگارنگ
بورژوازی و دستگاه های تبلیغاتی آنها
قرار داده تا با استناد به این



دستمزد کارگران و مسئله تورم

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی، امسال نیز همچون سال قبل حداقل
دستمزد کارگران را در حد ۸۳ تومان ثابت
نگه داشته و نه تنها قصد افزایش دستمزد
کارگران را ندارد بلکه به وقیحانه ترین
شکلی به توجیه این سیاست ضد کارگری
نیز پرداخته و هر روز به شکلی این تصمیم
ضد کارگری را بمثابه اقدامی در جهت
منافع طبقه کارگر جلوه میدهد. از آنجا
که تشبیه حداقل دستمزد کارگران در حد
دستمزد سال قبل، با توجه به رشد سرسام آور
تورم در عمل یورش جدیدی است به حاصل
نسترفج طبقه کارگر و کوششی است در جهت
تشدید استثمار و حیوانه این طبقه که
هم اکنون نیز به شدیدترین وجهی نیروی
در صفحه ۲

حزب دمکرات و عوالب مذاکره با جمهوری اسلامی

در صفحه ۳۰

در این شماره

گزیده های از راه یوسدای چریکها

- اخادی جز لایفک حاکمیت رژیم وابسته
به امپریالیسم جمهوری اسلامی
- رسوایی انتخابات اخیر رژیم و یادهای
امام جمعه تهران
- "آسیب های اجتماعی" و راه حل های
جمهوری اسلامی

در صفحه ۱۵

- اعمال سیاست جدید ضد پناهندگی
از سوی UN تانکارا ۱۴
- شعر ۲۳
- اخبار و گزارشهای خبری ۲۴
- ایران از دریچه آمار ۲۸
- شهدای تیرومرداد ماه چریکهای
فدائی خلق ایران ۲۹
- روزشمار تیرومرداد ماه ۲۹

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

در مورد ترور دکتر قاسملو دبیرکل

حزب دمکرات کردستان ایران

در صفحه ۱۳

زنده باد مبارزه مسلمانان که تنها راه رسیدن به آزادی است!

دستمزد کارگران و مسئله تورم

از صفحه ۱

مخالفت با افزایش دستمزد

کارگران تحت پوشش جلوگیری از رشد تورم همواره یکی از فکریهای سرمایه داران بوده و بورژوازی با توسل به چنین تعبیرات رباکارانه‌ای همیشه میکوشد مخالفت خود با افزایش دستمزد کارگران را زیر پوشش دفاع از قدرت خرید کارگران لاپوشانی نماید. به طبع کارگر چنین جلوه دهد که مخالفت او با افزایش دستمزدها نه بدلیل سودجویی و نفع پرستی ذاتی این طبقه انگل صفت بلکه بدلیل کمک به کارگران است. بنا به این استدلال، بورژوازی افزایش دستمزد کارگران را عمده دلیل رشد افسارگسیخته تورم چند ساله اخیر جا میزند. در حالیکه هر کارگری میتواند با نگاهی به درصد افزایش دستمزدها در ده سال اخیر یعنی سالهایی که حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی برقرار بوده و مقایسه آن با درصد افزایش سرسام آور قیمتها، به فریبکارانه بودن این استدلال پی ببرد. بنا بر این یک حساب ساده و مقایسه این دو درصد اساس استدلال جمهوری اسلامی را درهم ریخته و به هر کارگری نشان میدهد که سردمداران رژیم برای توجیه مخالفت سرمایه داران با افزایش دستمزد کارگران حتی قوانین اقتصاد سرمایه داری را نیز به میل خود تغییر و تفسیر میکنند، مگر نه این است که تورم در این سالها چندین برابر آن درصد ناچیزی که در ده سال اخیر به حقوق کارگران اناقه شده رشد داشته است. *

کارگر به یغما میرود، بنا بر این تثبیت حداقل دستمزد کارگران در سال ۶۸ بمثابه جلوه دیگری از سیاستهای ضد انقلابی و ضد کارگری جمهوری اسلامی بر علیه طبقه کارگر، بار دیگر بروشنی ماهیت ضد مردمی این رژیم را به نمایش میکشاند.

در شرایطی که تورم و گرانی هر روز رشد بیشتری یافته و رشد روز افزون قیمتها طبقه کارگر را از تامين نيازهای اولیاهای بازمانده و کاهش مستمر قدرت خرید کارگران باعث گردیده که آنها حتی توانایی تامین حداقل مایحتاج روزمره خویش را نیز از دست بدهند، تثبیت حداقل دستمزد کارگران در حد سال گذشته تنها ابعاد وسیع خانه خرابی طبقه کارگر را فزونی بخشیده و وسیله‌ای است در دست سرمایه داران ز الوصفت تا با بیخبری هر چه بیشتری خون ستمديدگان را مکیده و به دنگ سرمایه هایشان بریزند. با توجه به واقعیت فوق باید دید جمهوری اسلامی در توجیه این سیاست ضد انقلابی به چه دلائلی متوسل گشته و بستگاه تبلیغاتی این رژیم با توسل به چه دلائل مسخره‌ای به لاپوشانی این واقعیت میپردازد؟ اگر به دلائل حاشیه‌ای که همیشه به وفور در بستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی یافت میشود کاری نداشته باشیم عمده دلیلی که سردمداران رژیم در این زمینه به آن استناد میکنند این امر است که گویا با عدم افزایش دستمزدها از تورم لجام گسیخته کنونی جلوگیری مینمایند. برای نمونه رفسنجانی ضمن اعلام برنامه‌های خود برای دوران ریاست جمهوری اش در حالیکه نمیتوانست مشکلاتی که در ده سال اخیر دارندگان حقوقهای ثابت با آن مواجه بوده‌اند را کتمان نماید، با اینحال تاکید کرد که: "افزایش حقوق و دستمزدها راه حل این مشکل نیست" و مخالفت خود با افزایش دستمزدها را به این دلیل که "چون به تورم دامن میزند" اعلام نمود.

* - در حالیکه در فاصله سالهای ۵۹ تا ۶۴ حداقل دستمزد روزانه کارگران ثابت نگهداشته شده بود، در سال ۶۴ جمهوری اسلامی تنها با افزایش ۴۵ ریال یا بین مبلغ موافقت کسر و سهی در سال ۶۱، چهل ریال به حداقل دستمزد اضافه نمود و این مبلغ به ۲۱ تومان بررور رسید و در سال ۶۲ نیز با اضافه شدن ۲ تومان به ۲۳ تومان ارتقا یافت در نتیجه میبینیم که در ده سال اخیر جمهوری اسلامی تنها چند بار و هر بار چند تومان به حداقل دستمزد کارگران اضافه نموده است.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

قیمت تولید کرده و برای این منظور بهر وسیله‌ای برای پائین نگه داشتن مزد کارگران متوسل می‌شوند. همواره بورژوازی را بر آن میدارد که ضمن ثابت نگه داشتن دستمزد کارگران، به تاراج هر چه بیشتر طبقه کارگر بپردازد؛ طبقه انگل مفتی که بویزه در شرایط بحران برای سرشکن نمودن بار این بحران بدوی طبقه کارگر از هیچ وسیله‌ای دریغ نمی‌ورزد.

تورم در ساده‌ترین تعریف یعنی کاهش ارزش پول رایج و بالطبع کاهش قدرت خرید آن؛ امری که یکی از اولین آماج‌های دستمزد طبقه مزدبگیر میباشد؛ طبقه‌ای که مجبور است حاصل ساعتها جان کندن خود در کارگاه و کارخانه و غیره را به جیب سرمایه‌داران ز الوصفت بریزد. با توجه به این واقعیت و از آنجا که همواره یکی از دردناکترین مسائل برای بورژوازی این امر میباشد که کارگران با شناخت قانونمندیهای حاکم بر نظام موجود و دستیابی به آگاهی طبقاتی ضمن غنشی نمودن ترفندهای رنگارنگ تبلیغاتی او، نه این با آن عامل فرعی و نه این با آن فرد بلکه کل نظام سرمایه‌داری را بمتناهی عامل اصلی انبار و فلاکت خود بازشناخته و نابودی آنرا هدف مبارزه خویش قرار دهند. تبلیغات فریبکارانه بورژوازی با توسل به چنین دلائل و استدلالهای ریباکارانه‌ای میکوشد با خاک پاشیدن بچشم کارگران آنها را از دستیابی به آگاهی و شناخت عامل اصلی تورم یعنی نظام سرمایه‌داری بازداشته و زیر پوشش مبارزه با تورم برای دفاع از قدرت خرید کارگران، عدم افزایش دستمزدها یعنی تعدید استثمار کارگران را بعنوان امری در جهت منافع آنها قلمداد نماید.

در اینکه تورم باعث کاهش قدرت خرید کارگران میگردد جای شکی نیست و اتفاقاً همین واقعیت هم ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزد کارگران به نسبت رشد تورم را در مقابل طبقه کارگر قرار میدهد. ولی در همان حال کارگران ما باید این واقعیت را نیز در سطح هر چه وسیعتری در جامعه منعکس سازند که اولاً عامل اصلی این تورم افسارگسیخته سیستم سرمایه‌داری وابسته حاکم بر ایران میباشد که سالهاست آنچنان در بحران فوطه‌ور است که حتی از تامین نیازهای اولیه کارگران نیز عاجز میباشد و ثانیاً بیشترین ضرر از رشد تورم نصیب کارگران گشته و آنها جز اولین قربانیان رشد افسارگسیخته تورم میباشد؛ در حالیکه همین تورم خیلی از سرمایه‌داران را پولدارتر و ثروتمندتر

واقعیت این است که در حالیکه در سال اخیر طبقه کارگر بطور روزمره شاهد افزایش شدید قیمتها بوده و تاثیرات زیانبار این افزایش سرسام‌آور را با پوست و گوشت خود لمس کرده است در این فاصله یعنی در دهال حاکمیت جمهوری اسلامی تنها چند بار و آنهم هر بار درصد خیلی کمی یعنی تنها چند تومان به حداقل دستمزد کارگران اضافه شده است در نتیجه در شرایطی که رشد قیمت کالاها ی مورد نیاز کارگران آنچنان شرایط معیشتی طبقه کارگر را تنزل داده و این طبقه را در چنان شرایط نهنناکی قرار داده است که حتی سرمایه‌داران نزد وفاسد جمهوری اسلامی نیز با تمامی وقاحتی که در وارونه جلوه دادن حقایق دارند توانائی کتمان این مسئله را نداشته و ندارند. استدلالهای چنین پوغالی تنها به افای چهره دهنمن سرمایه‌داران ز الوصفت انجامیده و ماهیت تبلیغات آنها را در مقابل طبقه کارگر آشکار می‌سازد. بواقع نیز کارگرانی که از سال ۵۹ تا ۶۴ حداقل دستمزدشان در حد روزانه ۶۷/۵ تومان ثابت نگه داشته شده بود و با اینحال با چند برابر شدن قیمت کالاها مواجه بودند و برای نمونه تنها در فاصله سالهای ۶۲ تا ۶۴ شاهد افزایش ۹۰۰ درصدی قیمت یکمتری از کالاها ی مورد نیازشان بودند چگونه میتوانند به چنین استدلالهای فریبکارانه‌ای باور نمایند؟

چنانکه ثابت نگه داشتن دستمزد کارگران از رشد سرسام‌آور قیمتها جلوگیری ننموده است، میتوان دریافت که اصرار سرمایه‌داران مزدور رژیم بروی این امر ترفند فریبکارانه‌ای است از سوی سرمایه‌داران و منافعین آنها برای فریب کارگران و تحمیل هر چه سهلتر شرایط استثمار وحشیانه‌شان به کارگران.

نگاهی به رشد سرسام‌آور تورم در فاصله سالهای ۶۴ تا ۶۷ یعنی سالهایی که چند تومانی به حقوق کارگران در چند نوبت اضافه شده است و مقایسه این رشد با این درصد کوچک بارندگی ریباکارانه بودن این ابعاد را به اثبات میرساند و هر کارگری میتواند با نگاهی به این واقعیت که از سال ۶۷ تاکنون حداقل دستمزد طبقه کارگر ثابت نگه داشته شده در حالیکه در همین فاصله قیمتها بطور روزمره فزونی یافته است، به ماهیت تبلیغات بهرمانه جمهوری اسلامی پی ببرد.

تورم که حاصل قانونمندیهای حاکم بر نظام سرمایه‌داری است - که در آن سرمایه‌داران میکوشند کالاها یشان را به ارزانترین

این طبقه در زیر سلطه جمهوری اسلامی و ناتوانی کارگران در مبارزه و این واقعیت در شرایط بحران سیستم کنونی حاکم در تأمین خود و خانواده‌شان بی برد و عدت استثمار طبقه کارگر ایران آنچنان غیرقابل کتمان است که حتی کروی نماینده مجلس ایران و آن شرایط دشمنانکی را که طبقه حاکمه و رژیم حافظ ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز اعتراف مینماید: "تورم به خودی جمهوری اسلامی برای آنها ایجاد نموده است را تریافت خود بنفع پولداران است".

در نتیجه از آنجا که نظام جا برانه حاکم چه در شرایط جنگ در نتیجه در حالیکه رشد تورم باعث چپاول هرچه بیشتر و چه در شرایط باصلاح باسازی و چه در زمانیکه در رکود و بحران طبقه کارگر گفته و عملاً بنفع سرمایه‌داران تمام میگردد و عملاً غوطه‌ور است و چه در زمان باصلاح رونق، جز با مکیدن خون آنها را پولدارتر مینماید، ماهیت واقعی استدلالهای رفسنجانی و کارگران زنده نماند کارگران مبارز ما باید ضمن مبارزه برای دیگر سرمایه‌داران جمهوری اسلامی در توجیه جلوگیری از افزایش افزایش ستمها به نسبت رشد تورم و استفاده از هر امکانشی حداقل ستمها بخاطر پیشگیری از رشد تورم برای کارگران برای مبارزه با کاهش ستمها ایشان به مبارزه در جهت نابودی آشکار میگردد.

با توجه به اینکه حداقل ستمزد کارگران در رابطه با آن بوده و تا این سیستم با برجاست کارگران از استثمار و تأمین يك خانواده ۴ نفری تعیین میشود و در شرایطی که برای چپاول سرمایه‌داران رهایی نخواهند یافت.

نمونه قیمت يك کیلو برنج ۱۸۰ تومان بوده و بهای سبب زمینی تا کیلوئی ۸۵ تومان افزایش یافته است و يك بسته سیگار ۵۰ تومان بفروش میرسد میتوان به ابعاد خانه‌خوابی و فقر و فلاکت



این جهت هر مانور توطئه‌گرا نه دشمن حماقت تلقی نمود چه نام دیگری میتوان قند در دلس آب مینماید و او را بسوی بر آن گذاشت؟

مزدوران فریبکار جمهوری اسلامی مهکمانه، رهبری حزب دمکرات همواره این امر براستی چگونه میتواند از این وقایع را که جمهوری اسلامی مخفیانه از مذاکره درس گیرد؟

مذاکره با جمهوری اسلامی برای این منظور نزد او میفرستد را بمثابة کسب خواستهای خلق کرد آنها در شرایطی که جنبش خلق کرد در بدترین موقعیت خود در ده سال اخیر قرار دارد و نه تنها تمامی مناطق آزاد شده به تصرف دشمن درآمد بلکه درگیریهایی ترونی، این جنبش را از ترون همچون خوره خورده است. چه معنایی میتواند داشته باشد؟ مذاکره کردن با رژیمی که در ده سال گذشته در شرایطی که بخش بزرگی از کرستان منطقه آزاد شده بود و او درگیر جنگ بزرگی با عراق بود ولی با اینهمه حاضر به دادن هیچگونه امتیازی به حزب دمکرات نگزیده، در آن و سرانجام نیز ترور رهبران حزب دمکرات نشان داد که گام گذاشتن در چنین راهی جز ننگ و رسوائی حاصل دیگری نمیتواند باعثه باشد.

حزب دمکرات و عواقب مذاکره با جمهوری اسلامی

از صفحه ۱۲

از این وقایع درس گیرد؟!؟

حزبی که "مذاکره" را هدف خود قرار میدهد و از ترک این مسئله ساده ترساست عاجز است که "مذاکره" وسیله است و نه هدف و آنها وسیله‌ای که تنها در شرایطی میتوان و باید آنها بکار گرفت که به حکم شرایط عینی قادر باشد گامی آن نیرو را به هدف اصلی‌اش نزدیک سازد چگونه میتواند از این وقایع درس گیرد؟

در شرایطی که حزب دمکرات هر مذاکره‌خانیانهای را بعنوان يك مذاکره اصولی به توده‌ها معرفی میکنند و بجای تاکید بر ضرورت سرنگونی سلطه ننگین رژیم و پیشبرد سیاستهای عملی خود در



ورثکشتگی رویزیونیستها مستمکی برای تبلیغ بر علیه کمونیزم

از صفحه ۱

چرا که کمونیزم به مثابه علم غرایط رهائی پرولتاریاسا - طبقه‌ای که رسالت نابودی سرمایه‌داری را تاریخ بر دوشش نهاده است - آن مکتب انقلابی و مبارزاتی است که از بدو تولدش تا کنون هزاران بار از سوی بورژوازی "معموم" و "دفع" شده اعلام گردیده و هربار نیز سرزنده‌تر و پرخروش‌تر بی‌باخته و نظام جا برانه سرمایه‌داری را آماج ضربات مرگبار خود قرار داده است.

موج جدید و گسترده‌ای که تبلیغات بورژوائی بر علیه کمونیزم برای انداخته اساسا برای میناسازمان یافته است که این تبلیغات نخست نولتها ی چین و شوروی و لهستان و غیره و احزاب رویزیونیست حاکم بر آنها را مظهر و تجسم سوسیالیسم علمی و کمونیسم جا می‌زنند و سپس برای چارچوب با توجه به عملکردهای این احزاب و دولتها به نفسی آن موجودیتی می‌پردازند که به تنها چیزی که عیادت ندارد همانا کمونیزم است. آنچه که این تبلیغات رها کارانه می‌کوشد تا از توده‌ها کتمان نماید همانا این واقعیت است که این احزاب و دولتها سالهاست که با تجدید نظر در اصول انقلابی مارکسیزم - لنینیسم به مثابه تنها بدولت‌لوی انقلابی طبقه کارگر و رد دیکتاتوری پرولتاریا بسرای ساختمان سوسیالیسم از کمونیزم فاصله گرفته و از اینسو در جهت با یمال نمودن دستاوردهای انقلابی سوسیالیستی و رهائی بخش کارگران و توده‌های ستمدیده از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند.

علیرغم باوه‌گوییهای بلند گویای امپریالیستی بحران

در چین و شوروی و لهستان و غیره نه بیانگر زوال کمونیزم بلکه دقیقا بیانگر ورثکشتگی تمام عبار رویزیونیستها به مثابه مشاطه‌گران بورژوازی است که سالهاست کوشش می‌کنند زیر نقاب کمونیزم و مارکسیزم سیاستهای بورژوائی خود را پیش برده و حال بارشد بحران چهره زردشان با برجستگی بیشتری در مقابل توده‌ها قرار گرفته است. واقعیتی که تبلیغات بورژوائی می‌کوشد با وارونه جلوه‌داین آن سترونی رویزیونیستها و شکست آنها را به کمونیزم نسبت دهد.

در چهارچوب همین تبلیغات رها کارانه امپریالیستی است که رادیو امریکا اخیرا ضمن گفتارها و گزارشهای مفصلی با اشک تماشای ریختن برای جنبش دمکراسی در چین و شوروی و غیره از قول به اصطلاح "کارشناسان مسائل جهان کمونیزم" و "استراتژیست" های طبقه حاکمه امریکا همچون برژینسکی تبلیغات برنامه‌های رابرعلیه کمونیزم برای انداخته و برای نمونه می‌گوید: "تحولات چین و لهستان، علیرغم تفاوتهای ظاهری هر دو نمایانگر یک روند کلی در جریان کمونیزم است" و سپس فریبکارانه با استناد به سرکوب خفونت آمیز مبارزات دانشجویان در چین - امری که خود افشاگر سیاستهای ضد انقلابی حکام رویزیونیست این کشور می‌باشد - و نتایج انتخابات لهستان - که بروشنی انزجار توده‌ها از حزب رویزیونیستی حاکم را به نمایش گذاشت - نتیجه می‌گیرد که: "آنچه در ورشو و پکن مشاهده میشود آخرین تلاشها و تکانهای سوسقم و مکتبی است که عمر خود را سپری کرده است".

در غرایطی که در چهار گوشه جهان طبقه کارگر و پیشروان

تصویر نمایند و برآستی که چه خیال خامی چرا که تا مناسبات ستگرانه بورژوازی وجود دارد و پرولتاریسا به مناسبه گورکن این مناسبات ظالمانه به مبارزه برای نابودی آن ادامه میدهد کمونیزم راهنمای حرکت تاریخ ساز او خواهد بود به همین دلیل هم تا نظام سرمایه داری وجود دارد "مکتب" کمونیزم نیز پابرجا بوده و تنها پایانی که برای این مکتب انقلابی قابل تصور است همانا نابودی نظام سرمایه داری و تحقق کامل جامعه بی طبقه کمونیستی است جامعه ای که در آن نه از استثمار و فقر و تنگدستی خبری هست و نه از سرکوب و تهاکباتوری و اجافات طبقاتی .

با علم به این واقعیت و علیرغم اینکه مارکسیست - لنینیستها سالهاست که به موازات غلبه و سلطه رویزیسم بر احزاب حاکم در شوروی و چین و غیره ماهیت کمونیزم کاذب ادعائی این احزاب را افشاء نموده و به کارگران نشان داده اند که حساب این احزاب رویزیونیستی و عملکردهای بورژوازی آنها را باید از حساب احزاب کمونیستی واقعی که زیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم و در راه رهائی طبقه کارگر از سلطه سرمایه داری مبارزه می کنند جدا نمایند و اما از آنجا که احزاب حاکم بر این کشورها خود را "کمونیست" و دولتهای خود را "دولتهای" "سوسیالیستی" نامیده و خود را همان احزابی جا میزنند که انقلابات کبیر کارگری در قرن حاضر را سازماندهی و رهبری نموده اند خواه ناخواه این تبلیغات زهرا گین که بر زمینه عملکردهای ضد کارگری و ضد مردمی این احزاب سازمان یافته است در حد خود تا فترات مغربسی را به جای گذاشته و خواهد گذاشت .

در شرایطی که گورباچف از فنان دمکراسی در جامعه شوروی و رکود اقتصاد این کشور سخن می گوید و شورشیهای منطقه ای شوروی را به لرزه در آورده و اعتصابات کارگری هر روز اوج بیشتری میگیرد در شرایطی که لهستان زیر بار

رزمنده اش زیر پرچم کمونیزم در حال مبارزه بر علیه نظام گندیده و محتضر سرمایه داری می باشد و صدای فریاد کمونیستها از زندانهای فیلیپین تا شکنجه گاهای ترکیه و از کشتارگاه اوین تا بازداشتگاههای آفریقای جنوبی همه جا در طنین است و آتش سلاحهای آنها از آمریکا تا لائوس تا آسیا و آفریقا را روشن نموده است . تبلیغات بورژوازی بیشرمانه از شهری شدن عمر کمونیزم این آموزش انقلابی طبقه کارگر سخن گفته و باین وسیله میکوشد باین نتیجه جلوه دادن این مبارزات نظام پیوسته سرمایه داری را جاودانه جلوه دهد .

در شرایطی که در دو قرن اخیر پرولتاریا در بیشتر مبارزات خستگی ناپذیری و با کمون پاریس و انقلاب کبیر اکتبر و انقلاب بزرگ چین و نهها انقلاب دیگر بارها سلطه سرمایه داری را برهم شکسته و امکان پیروزی کمونیزم را به اثبات رسانده است تبلیغات بورژوازی در جهت از قدرت کمونیزم شکست و ورعکستگی اجتناب ناپذیر رویزیونیستها را که سالهاست با به شکست کنانیدن انقلاب در چین و شوروی و غیره برآری که قدرت قرار گرفته اند را استماینه تبلیغات حقیر خود بر علیه کمونیزم نموده است .

علیرغم همه این تشبثات ریاکارانه، کمونیزم مکتب انقلابی طبقه کارگر می باشد که با تحلیل علمی نظام سرمایه داری تغییر اجتناب ناپذیر این نظام به سوسیالیسم را به ثبوت رسانده و انقلابات کبیری چون انقلاب اکتبر این واقعیت را پرورشی اثبات نموده اند. در نتیجه تبلیغات بورژوازی وقتیکه بر این نکته متمرکز میشود که این مکتب به پایان عمر خود رسیده است به این وسیله قصد دارد اجتناب - ناپذیر بودن تغییر سرمایه داری به سوسیالیسم را نفی نموده و چشم انداز پیروزی انقلاب کارگران و توده های ستم دیده بر علیه این نظام جا برانه را تیره و تار سازد و در اذهان توده ها برای نظام جا برانه سرمایه داری عمیری جاودانه

مادی و طبقاتی معینی را جستجو کرد * در نتیجه در حالیکه در آن منافع مادی که احزاب و دولت‌های رویزیونیستی را وامیندارد تا زیر پوشش کمونیسم سیاست‌های ضد انقلابی خود را پیش ببرند از اهمیت بزرگی برخوردار است. شناخت آن منافع و اهدافی که دستگاه‌های تبلیغاتی بورژوازی جهانی از نقطه کمونیسم دنبال می‌کنند نیز الزامی بوده و کارگران آگاه و کمونیست‌های راستین باید ضمن انقاس اهداف تبلیغاتی بورژوازی جهانی بر علیه کمونیسم، خود را برای مقابله با این کارزار ضد کمونیستی آماده سازند.

اگر قدرت‌یابی طبقه کارگر و مارکسیسم دشمنان این طبقه و ایندولوزی‌رئانی بخش‌اش را بر آن باعث تا به لباس مارکسیسم درآمده و این آموزش انقلابی را از مضمون تهی شده و آنرا به ابتنال بکنند و تاریخ این وظیفه خیانت باز را بردوش رویزیونیستها قرار ناده اکنون در شرایط رشد پرولتاریا حتی در عقب مانده‌ترین کشورهای جهان و گرایش عمومی در سطح جهان به مکتب ظفر نسون مارکسیسم - لنینیسم و قدرت‌گیری جنبش کمونیستی، دشمنان طبقه کارگر را بر آن داشته است تا با استناد به عملکردهای بورژوائی رویزیونیستها چشم انداز انقلاب و پیروزی ناگزیر طبقه کارگر بر نظام منحل سرمایه‌داری را تیره و تاریک نموده و روحیه یاس و ناامیدی را در میان کارگران اشاعه دهند بر چنین اساسی است که تبلیغات امپریالیستی می‌کوشد اوجگری بحران در چین و شوروی و غیره و پی آمدهای آنرا به حساب بحران کمونیسم واریز کرده و به این وسیله ناتوانی کمونیسم در حل مسائل کارگران را نتیجه گرفته و امید واهی بر نتیجه بودن انقلاب را در میان توده‌ها اشاعه دهد. اما کمونیستها سالهاست که اشکال مختلف تجدید نظر ها تنها در رویزیونیستها در مارکسیسم را افشا نموده و نشان داده‌اند که چه دره عمیقی مارکسیسم را از رویزیونیسم جدا می‌سازد که گاهی

فرض‌های خارجی کمر هم کرده و برای جلب سرمایه‌های قسرب به انتخاباتی تن میدهد که فقدان پایگاه مردمی دولت‌اش را آشکار می‌نماید و در چین جنبش دانشجویان معترض به وحدانیه‌ترین شکلی به خون کشیده میشود. این وقایع و این شرایط را به کمونیسم نسبت دادن بدون شک به اعتبار کمونیسم در نزد توده‌ها ضربه وارد ساخته و چشم انداز رهایی کارگران و ستم‌دیدگان را از سلطه نظام موجود تیره و تاریک می‌سازد. به واقع هم آن مردمی که سالهاست تمامی مطالب حکومتی را بنام حکومت سوسیالیستی تحمل می‌کردند و با آن کارگرانی که شرایط زندگی و مبارزه کارگران در چین و شوروی و غیره را می‌بینند در صورتیکه فاقد آگاهی مارکسیستی باشند از سوسیالیسم و کمونیسم زده میشوند. اما همین واقعیت و وظیفه بزرگی در مقابل کمونیستها قرار میدهد که همانا آگاه کردن توده‌ها نسبت به ماهیت احزاب حاکم بر چین و شوروی و غیره و افشای سیاست‌های بورژوائی آنها می‌باشد توده‌های زحمتکش و در اس آنها کارگران باید بدانند که آن احزابی که سکاندار حرکت این جوامع هستند احزابی کمونیستی نبوده و همانگونه که سالهاست مارکسیست - لنینیستها تاکید می‌کنند احزابی رویزیونیستی و ضد کارگری می‌باشند، احزابی که زیر پوشش مارکسیسم سیاست‌های بورژوائی را پیش می‌برند.

به همین دلیل هم کارگران آگاه باید تحولات موجود در چین و شوروی و غیره را با دقت دنبال نموده و ورشکستگی رویزیونیسم و حقانیت‌تئوری راهنمای کارگران یعنی مارکسیسم - لنینیسم را حتی از وری همین موضوع را با شناخته و تبلیغ نماید کارگرانی که برای نابودی نظام سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم، برای نابودی مالکیت خصوصی و استقرار مالکیت اجتماعی و رسیدن به جامعه بی طبقه کمونیستی می‌زنند باید بدانند که: « در پشت هر حرف و اظهار نظر به هر شکلی هم که آراسته شده باشد باید منافع و اهداف

می‌کنند که بحران سراپایش را فرا گرفته است. اگر کمونیستها با تکیه به تجربه کمون پارسی این اولین حکومت کارگری در جهان اعلام می‌کردند که سوسیالیسم آن نظامی است که می‌کودم حقوق مستغذمین دولت و همه صاحبان مغاغل در کشور را به سطح " دستزد یک کارگر " برساند، رویزیونیستها سالها پس از سلطه ننگین خود آنچنان این واقعیت را به ابتغال کفانده اند و آنچنان تبعیض و مزایا و محی سفره " هائی برای نوروچمی‌های خود بوجود آورده اند که خشم و اعتراض کارگران و زحمتکشان را به بار آورده است.

اگر کمونیستها به استناد تجربه کمون و حکومت‌خواها شمار " حکومت ارزان " را عملی ساخته و عملی می‌ناتستند رویزیونیستها آنچنان دستگاه عربض و طوئلی را سازمان داده اند که چون بختکی بر روی جامعه و بیگانه با آن، سترنج توده‌ها را به یغما می‌برد و بجای حرکت وسیع توده‌ها در حکومت و نابودی تدریجی بورکراسی، دستگاه بورکراتیکی را سازمان داده اند که بوی تعفن این همه جامعه را فرا گرفته و فساد و دزدی و ارتشاً به جزه‌ناتی آن تبدیل گزیده است و ننگاهی که متنفذین و وابستگان به آن هر روز به حساب سترنج کارگران مرفه‌تر شده و از امکانات جامعه هر چه بیشتر بهره‌مند می‌گردند، دستگاهی که در آن آموزش کمونیستی " انتغایی شدن کامل تمام صاحبان مغاغل و قابل تمویض بودن آنها بدون استثنا " در هر زمان" به مسخره گرفته شده است.

اگر کمونیستها با تحلیل جامعه سرمایه‌داری اجتناب ناپذیر بودن جنگ‌های ظالمانه را به کارگران و توده‌های ستم‌دیده نشان می‌دادند و اعلام می‌کردند که جنگ‌ناتی نظام جا برانه سرمایه‌داری بوده و تا زمانیکه این نظام جا برانه

هر چند خلاصه به بعضی از این اختلافات خود برویونی تفاوت رویزیونیسم به مثابه یک ایدئولوژی بورژوائی را با مارکسیسم به اثبات میرساند.

اگر کمونیستها همواره تاکید می‌کردند که تنها دیکتاتوری پرولتاریا قادر است بشریت را از سلطه ستمگرانه سرمایه و از ریا و فریب دمکراسی بورژوائی که در واقعیت هیچ چیز نیست جز دمکراسی برای سرمایه‌داران، رهائی بخشد و دمکراسی برای اکثریت عظیم زحمتکشان را بوجود آورد، رویزیونیستها، بشیرمانه از عدم ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا سخن گفته و سالها ست که در راه نابودی ستاورده‌های انقلابات کارگری گام برمی‌دارند و بسا نفسی دیکتاتوری پرولتاریا یعنی وسیع‌ترین دمکراسی ممکن، برای اکثریت ستمکشان، جامعه‌ای را سازمان داده اند که از فقدان دمکراسی و از زور و اجابده بوروکراسی حاکم به تنگ آمده است.

رویزیونیستها با رد دیکتاتوری پرولتاریا و معاطه‌گری برای دمکراسی بورژوائی ضمن پامال نمودن دمکراسی سوسیالیستی و خیانت آشکار به مارکسیزم عملاً دیکتاتوری بورژوائی را به نام کمونیزم و دمکراسی برای توده‌ها به ارمان آورده و این خیانت آشکار را تحت پوشش برخورد خصلی با تشوری، از چشم توده‌ها مخفی می‌سازند.

اگر کمونیستها همواره تاکید می‌کردند که بحرانهای اقتصادی و هرج و مرج تولید ناتی نظام سرمایه‌داری بوده و سوسیالیسم آن نظام نوینی است که بدلیل حاکمیت پرولتاریا و الفای مالکیت خصوصی، اقتصادی متمرکز و برنامه ریزی شده را سازمان می‌دهد که در آن از بحرانهای خانمان برانداز و از هرج و مرج تولید سرمایه‌داری خبری نیست، رویزیونیستها اقتصادی را ناپندگی

پیش‌بینی‌های سازماندهی مسلح توده‌ها

میسازند. اگر کمونیستها پس از انقلابات کارگری در شوروی و چین و ایجاد يك اردوگاه بزرگ سوسیالیستی در جهان از ضرورت محاصره اقتصادی امپریالیستها برای تعدیل بحرانهای داخلی شان و تریخ نابودی اجتناب ناپذیرشان سخن می‌گفتند رویزیونیستها «هنکاری سالم‌آمیز» با امپریالیستها را تبلیغ و ترویج کرده و با نابودی اردوگاه سوسیالیسم نروازه‌های این کشورها را بروی سرمایه‌های غرب باز نمودند و به این وسیله بزرگترین امکان را در اختیار بورژوازی غرب برای تخفیف دادن به بحرانهای خود قرار دادند.

در نتیجه با توجه به همه مواردی که بطور خلاصه برشمردیم و نه‌ها دلیل دیگر که بازگویی آنها در این مقاله امکان پذیر نیست، بزرگی مارکسیزم را از رویزیونیسم جدا می‌سازد. نره‌ای که در يك سوی آن پرولتاریا و تئوری رهائی بخش‌اش قرار گرفته و در سوی دیگر آن بورژوازی ضدانقلابی با تئوریهای رنگارنگ بورژوازمی که به هر وسیله‌ای برای نابودی کمونیسم و حفظ سلطه اهریمنی‌اش متوسل می‌گردد.

آنها باز هم برای نشان دادن خیانت رویزیونیستها به مارکسیزم و انقلاب کارگران به دلائل جدیدی احتیاج هست؟ آیا همین واقعیت که سالها پس از سلطه رویزیونیسم بر حزب کمونیست چین تمامی ادعاهای رویزیونیستها در واقعیت، ریاکارانه بودن خود را به اثبات رسانده و توده‌های برعلیه سردمداران خائن این کشور بی‌خاسته‌اند و رشکستگی رویزیونیسم و حقانیت مارکسیزم را به اثبات نمی‌رساند؟

آیا همین واقعیت که پس از گذشت حدود ۳۰ سال از سلطه رویزیونیسم بر حزب کمونیست شوروی حال گورباچف مجبور میگردد از فقدان دمکراسی در جامعه شوروی سخن بگوید خود بروشنی بیانگر بیگانگی رویزیونیستها ی حاکم بر این

در جهان با برجاست بورژوازی برای منافع خود از سازمان دادن جنگ‌های غیرعادلانه تریخ نخواهد ورزید و کارگران نباید به همه‌های آتش‌افروزی ضدانقلابی بورژوازی تبدیل گردند. رویزیونیستها در حالیکه در چهار گوشه جهان همراهِ با امپریالیستها از جنگ‌های محلی و منطقه‌ای سود می‌برند از اجتناب پذیر بودن جنگ در نظام سرمایه‌داری سخن گفته و با تطهیر ماهیت جنگ افروزان بورژوازی خاک به چشم توده‌ها می‌پاشند.

اگر کمونیستها در مقابل ناسیونالیسم تنگ نظرانه بورژوازی و خرده بورژوازی انترناسیونالسم پرولتری را قلم می‌دهند که منافع انقلاب جهانی پرولتاریا را بر هر منافع ارجح می‌دارد، رویزیونیستها با انکار عملی این انترناسیونالیسم ناسیونالیسم تنگ نظرانه‌ای را پیش می‌برند که بقتضای چیزیکه نمی‌اندیشد همانا منافع انقلاب جهانی و پرولتاریای جهانی است. رویزیونیستهایی که سالهاست بر علیه منافع کارگران و انقلاب آنها در زد و بند با امپریالیستها در سطح جهانی کام بر می‌نهند و بیخبرمانه از زبان گورباچف اعلام میکنند که خواهان بحران در غرب نیستند!

اگر کمونیستها به کارگران آموزش میدادند که بحرانهای نظام سرمایه‌داری اجتناب ناپذیر بوده و همین بحرانها در حالیکه ضرورت انقلاب و راه حل سوسیالیستی را در مقابل توده‌ها قرار میدهد در همان حال امکان انقلاب را نیز مهیا می‌سازد و کارگران باید ضمن تدارک انقلاب، خود را برای نابودی قطعی این نظام ترغیبی که بحران سرا و پایش را فرا گرفته آماده کنند و بحرانها را زمینه ساز انقلاب می‌دانستند رویزیونیستها از عدم ضرورت انقلاب و از تمایلشان به رفع بحرانهای غرب سخن گفته و به این وسیله اعتقاد خود به حفظ وضع موجود یعنی تداوم سلطه نظام سرمایه‌داری را آشکار

برغم تبلیغات بورژوازی که بدلیل تهره و تار ساختن چشم انداز انقلاب در بین کارگران و زحمتکشان بی شرمانه بحران در چین و شوروی را به مثابه بحران کمونیسم قلمداد می نماید آنچه در این کشورها می گذرد خودمصول غلبه رویزیونیسم بر احزاب حاکم در این کشورها و بیانگر شدت وحدت بحران سلطه ضد کارگری رویزیونیستها بر این احزاب می باشد. بحرانی که نتیجه اجتناب ناپذیر عدول این احزاب از مارکسیسم - لنینیسم و مآختمان سوسیالیسم و گام گذاشتن در راه سرمایه داری بوده و گواه بارزی است بر این حقیقت که در عصر امپریالیسم برای رهایی بغزیت از قید ستم سرمایه و نظام طبقاتی ستمگرانه موجود هیچ راهی جز دیکتاتوروی پرولتاریا وجود نداشته و ندارد.

به پشتوانه چنین حقایقی است که باید در مقابل تبلیغات فریبکارانه امپریالیستها و از جمله امپریالیسم امریکا که هر روز از پشت بلندگوهای تبلیغاتی خود فریاد برمی آورد که: "تحولات چشمگیر در شوروی، لهستان، چین و حتی مجارستان که شاهد زوال ستم دیکتاتوروی است نشاندهنده تغییرات بسیار مهمی در جهان سوسیالیسم" می باشد و به آن "کارشناسان" و "استراتژیست های بورژوازی که دیکتاتوروی و سرکوب خونین توده ها در سراسر جهان را در زوروی دمکراسی می پوشانند و سرمت از تحولات فوق الذکر ندا سر میدهند که: "جهان شاهد فرو ریختن ساختمان کمونیسم است" گفتاگر عما تنها نره ای دید استراتژیک داشتید آنگاه از تحولاتی که در چین و شوروی و غیره رخ میدهد تنها ناد نمی شنید بلکه بر خود می لرزیدید چرا که این تحولات علیرغم همه ضرباتی که در کوتاه مدت - به اعتبار تبلیغاتی که بر علیه کمونیسم سازمان یافته است - برای مبارزات طبقه کارگر در بر دارد، اما بدون شك در دراز مدت پیروزی دیگری برای کمونیستها است، به این دلیل واضح که این تحولات ورشکستگی

حزب یا مارکسیزم که پرچمدار وسیع ترین دمکراسی ممکن برای زحمتکشان بوده و می باشد نیست؟ آیا همین نمونه، ورشکستگی رویزیونیستی را که زیر پرچم خروجی بر علیه مارکسیزم لجن پراکنی می کردند و از دمکراسی سخن می گفتند را بار دیگر به عینه در مقابل توده ها قرار نمیدهد، که پس از ۳۰ سال سلطه ننگین شان مجبور گشته اند به فقیان دمکراسی در شوروی اعتراف نمایند.

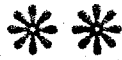
آیا همین واقعیت که لهستان زیر بار استقرانی وامهای خارجی کمر خم کرده و باز هم تنها راه نجات خود را در جذب هرچه بیشتر سرمایه های غربی میدانند خود پرورشی گسواه ورشکستگی سیاستهای اقتصادی رویزیونیستها نمی باشد؟ سیاستهای که بر علیه منافع طبقه کارگر و در راستای تحکیم هرچه بیشتر موقعیت سرمایه داری قرار دارد؟

با توجه به همه این واقعیات است که باید با صراحت به توده ها گفت که آنچه در چین و شوروی و غیره می گذرد تنها و تنها بیانگر افلاس رویزیونیسم بوده و چه اصلاحات تنگ عیا ثوبینگ در چین و چه اصلاحات گورباچف و در شوروی - آنچه که تحت عنوان کلاسوست و پرورشیکا از آن سخن گفتند میبود - تنها آن تحولات بورژوازی هستند که رویزیونیستهای حاکم بر این کشورها تحت نام کمونیسم و تداوم انقلاب کبیر اکتبر و انقلاب بزرگ چین در جهت مواضع بورژوازی بر علیه کارگران و زحمتکشان تدارک نمیده و پیش می برند.

واقعیت این است که اصلاحات اقتصادی و سیاسی گورباچف در شوروی و تنگ عیا ثوبینگ در چین که امپریالیستها ی جنایت - بدیهه فر مدح آنها بایکوبی کرده و حتی خمینی این جلاذ خلقهای ما "عجاعت" گورباچف را در میداننداری اجرای این اصلاحات می ستود، چیزی نیست جز یکسری اقدامات و عملکردهای بورژوازی برای غلبه بر بحرانی که سراپای این کشورها را فرا گرفته است.

روشن و عینی هرچه بیشتری ضمن مخاطب قرار دادن توده‌های کارگری که اسیر تبلیغات رویزیونیستها بودند به آنها نشان دهند که این احزاب و این دولتهائی که سالها به آنها حکمرانی میکرده و یا مورد تائیدشان بوده اند نه احزاب و دولتهائی کارگری که اتفاقاً احزابی ضدکارگری و سوزووائی بوده اند که سالها با فریب آنها تحت نام کمونیزم و سوسیالیزم نرراه پیروزی انقلاب کارگری سنگ اندازی می کرده اند .

نام و تمام رویزیونیستهای که در لباس مارکسیزم به مارکسیزم و طبقه کارگر خیانت کرده و عملاً راه بورژوازی را پیش گرفته بودند را بار دیگر با وضوح بیشتری به عینه در مقابل کارگران و زحمتکشان قرار داده و امکانات فریبکاری آنها را تضعیف نموده و امکان فعالیت پیروزمند کمونیستهای واقعی را بطور چشمگیری افزایش میدهد . تحولاتی که در بطن خود رویزیونیستها را مجبور میسازد هر چه بیشتر لغاتهای مارکستی اعمال ضدکارگری خود را بدور بریزند بدون شک یکی از پیروزیهای طبقه کارگر به حساب آمده و امکانات وسیعی در اختیار کمونیستها قرار میدهد تا با تکیه بر فاکتهای



گرامی بادخاطره
چریک فدائی خلق رفیق شهید
احمد زبیرم

گرامی باد خاطره
چریک فدائی خلق رفیق شهید
حمید اشرف از رهبران کمیونس
ما زمان که زندگی و مرگش
الهام بخش همیشگی یارانش در
مبارزه بر علیه امپریالیسم
می باشد



خوانندگان مبارز " پیام فدائی " برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم . نظریات انتقادات ، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید . بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده‌ها و به مجموعه هوادارانانش متکی باشد .

حزب دمکرات و عواقب مذاکره با جمهوری اسلامی

از صفحه ۳۰

که گویا از طریق مذاکره با رژیم که جز زبان زور نمیشناسد، خلق کرد میتواند به خواستهای خود نائل آید. همان سیاست معاشرات طلبانه‌ای که در اوج افلاس و ورشکستگی حاضر بوده، پاره‌ای امتیازات منطقه‌ای را بعنوان خودمختاری و تحقق خواستهای مردمی، که سالهاست برای رسیدن به خودمختاری زیر و حقیانه‌ترین سرکوبها با نثار خون عزیزان خود با دشمن تا بن دندان مسلح می‌جنگند قلمداد نماید.

همان سیاستهای غیرانقلابی‌ای که اعلام میکرد "مسئله کرد راه حل نظامی ندارد" (۳) و به این وسیله هم انداز بهروزی جنبش مسلحانه خلق کرد را تیره و تار نموده و عور مبارزاتی خلقی که برای سرنگونی سلطه امپریالیسم و رژیمهای مزدور و تحقق حق تعیین سرنوشت و کسب خودمختاری بپا خاسته بود را تضعیف مینمود و امر سرنگونی جمهوری اسلامی را از خواستهای این خلق حذف میکرد. همان سیاستهای تسلیم طلبانه‌ای که هدف "یک جنگ بارتیزانی آنها در منطقه‌ای از ایران" (۴) را جز این نمی‌دانست که: "رژیم را وادار به مذاکره بکند" (۵) و اطمینان میداد که

رژیم جمهوری اسلامی در جریان این مذاکره بطور حتم تحقق خواستهای این "جنگ بارتیزانی" را تضمین خواهد نمود. همان سیاستهای خائنانه‌ای که به افاعه این توهم میبرد اذیت که در شرایط سلطه امپریالیسم در ایران و حاکمیت سیاه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی امکان "راههای مسالمت آمیز" حل "مسئله کردستان" وجود ندارد و خلق کرد میتواند بطور "مسالمت آمیز" به خواستهای خود آنها را چارچوب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نائل آید و حاضر بود جنبش خلق کرد را به مسلخ جلا ببرد تا حل "مسالمت آمیز" مسئله کرد را زیر چنگالهای او تجربه نماید.

ترور قاسم لور پشت میز مذاکره با پاسداران جمهوری اسلامی برای سازش بر سر خواستها و منافع خلق کرد در حقیقت نقطه اوج افلاس سیاستهای غیرانقلابی چند ساله اخیر حزب دمکرات و اثبات ورشکستگی کامل این سیاستها در نزد توده‌هاست؛ امری که مجموعه قرائن نشان میدهد متأسفانه هنوز حزب دمکرات نتوانسته است از آنها درس گرفته و این سیاستهای غیرانقلابی را بکناری نهد. اگر حزب دمکرات از این واقعه به نادرستی سیاستهای رسوای تاکنونی اش میرسد شاید میشد این امر را تنها نتیجه مثبت این مذاکرات اعلام نمود. اما حزب دمکرات با تاکید بر تناوم راهی که سالهاست در پیش گرفته است در کوره راهی گام برمیدارد که نتایج فاجعه بارش از پیش روشن بوده و بارها نیروهای انقلابی او را از گام برداشتن در این کوره راه برحذر داشته‌اند.

براستی حزبی که پس از ده سال مبارزه مسلحانه در کردستان و تجربه عینی برخوردهای دشمنانه جمهوری اسلامی بازم از راههای "مسالمت آمیز" حل مسئله کرد سخن میگوید و یا در شرایطی که ایسین رژیم به وحشیانه‌ترین شکلی توده‌های ستم‌دیده ما و جنبش انقلابی آنها را آماج ضربات خود قرار داده، ندا سر میدهد که جمهوری اسلامی "آماده عقب نشینی در همه زمینه‌هاست" و از آن مضحکتر مبارزه مسلحانه جنبش خلق کرد را وسیله‌ای برای رسیدن به مذاکره و حل مسالمت آمیز مسئله کردستان قلمداد مینماید، چگونه میتواند

حزب دمکرات که زمانی مذاکرات سازشکارانه خود با

۳- تجربه کردستان شماره ۱۴۶

۴- مباحثه قاسم لور با راه‌آرانی



اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

در مورد ترور دکتر قاسملو دبیرکل
حزب دمکرات کردستان ایران

خلقهای قهرمان ایسران!

روز پنجشنبه ۲۲ تیرماه جاری دکتر قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران که به منظور انجام مذاکراتی با هیئت نمایندگان جمهوری اسلامی در اطربش حضور یافته بود، در آپارتمانی در شهر وین به همراه دو نفر دیگر از همراهان خویش، توسط مزدوران جمهوری اسلامی ترور شد.

ترور دکتر قاسملو در حالیکه بار دیگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بمثابه رژیمی تروریست در سطح جهان رسوا ساخته و چهره منفور آنها بیش از پیش افشا مینماید، در عین حال بیانگر این حقیقت میباشد که دبیرکل حزب دمکرات کردستان سیاست مماشات طلبانه و مذاکره جوشبهای سازشکارانه خود و حزبش با رژیم مزدور جمهوری اسلامی گردیده است.

واقعیت این است که حزب دمکرات اگر چه در جنگ دلاورانه خلق قهرمان گسرد در راه دستیابی به حق تعیین سرنوشت خویش بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، بسا اعلام رسیدن به هدف دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان به سازماندهی بخشی از نیروی پیشمرگ پرداخته و در مبارزه مسلحانه در کردستان شرکت نموده است، لیکن این حزب همواره بجای تکیه بر نیروی لایزال توده‌ها، چشم به بالا دوخته و بدون آنکه قادر به پیشبرد امر مبارزه در کردستان مطابق با دید استراتژیک انقلابی و نقشه نظامی معینی بوده باشد، در مقاطع مختلف به پشت میز مذاکره ریا و فریب جمهوری اسلامی کشیده شده است. و امروز میتوان گفت سیاست مماشات با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تحت توجیحات انحرافی از قبیل "کردستان راه حل نظامی ندارد" به صورت سیاست عملی روتین این حزب درآمده است. و درست تحت چنین سیاستی بود که دبیرکل حزب دمکرات در اطربش در پشت میز مذاکره با نمایندگان جمهوری اسلامی قرار گرفت و با فرجام چنان ناگواری مواجه گشت.

ما ضمن تاکید بر باطل بودن هر سیاستی که به دروغ راه دستیابی خلق دلاور کرد را به خواستهای برحق خویش از طریق مذاکره با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امکانپذیر قلمداد مینماید و طرد قاطع چنان سیاستی، ترور دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران را توسط مزدوران جمهوری اسلامی شدیداً مستکوم می‌کنیم و معتقدیم که خلغهای رزمجوی ما و نیروهای انقلابی از این واقعه همچون هر رویداد سیاسی دیگر تجارب بسیاری آموخته و آنها در مبارزه سترگ خویش بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیرش توشه راه خود خواهند ساخت.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
زنده باد خلق دلاور کرد که برای آزادی می‌جنگند!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

اعمال سیاست جدید ضد پناهندگی از سوی UN آنکارا

پناهندگان آگاه و مبارز

حاکمیت رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی ایران طی ده سال گذشته، ارمغانی جز اختناق، سرکوب، زندان و اعدام برای کارگران و زحمتکشان و فرزندان مبارز آنها به همراه نداشته است. همچنین به دنبال سیاستهای ارتجاعی خود، جنگ خانمانسوزی را برپا داشت که حاصلی جز بیکاری، بی‌خانمانی، گران، اعتیاد، فحشا و ... برای توده‌های مردم دربرداشت.

این شرایط باعث گردید تا شمار بسیاری از هموطنان ما به خاطر رهایی از مصائب فـسـوق و همچنین نقض حقوق دمکراتیک آنها و بسیج اجباری سربازان، به کشورهای دیگر سرازیر گردیده و رنج آوارگی را تحمل بنمایند. در همین جهت، ترکیه و پاکستان، کشورهای هستند که در ابتدا آوارگان ایرانی با تحمل مشقات فراوان بدانها روی می‌آوردند که در پاره‌ای موارد نیز منجر به از دست دادن جانشان شده است.

ما، بارها یادآور شده‌ایم که دولت‌های ترکیه و پاکستان طی قراردادهای ارتجاعی خود با رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی ایران به استرداد آوارگان ایرانی مبادرت ورزیده‌اند، و در اکثر این موارد، آوارگان ایرانی به عنوان پناهنده سازمان ملل نیز پذیرفته شده بودند.

یکی از موضوعاتی که در این رابطه درخور توجه میباشد، مسئله پناهندگانی است که سربازان فراری از جنگ محسوب میشوند. این مسئله پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از طرف رژیم جمهوری اسلامی ایران و قبول آتش‌بس در جنگ با عراق، به صورت حادثی در بین این عده از پناهندگان جلوه‌گر شد. بدین ترتیب که مقامات مسئول «n» با عنوان کردن اتمام جنگ، به مسئولیت خود در قبال پناهندگان سرباز نیز خاتمه داده و سیاست جدیدی را مبنی بر عدم حمایت از جان این پناهندگان در پیش گرفته است.

براین اساس، ما توجه سازمانها و احزاب انقلابی، مجامع بین‌المللی و شخصیت‌های مترقی جهان را بدین موضوع جلب مینمائیم که اگر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و قبول آتش‌بس از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران، گامی در جهت بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی مردم ایران بوده، چرا بلافاصله موج وسیعی از کشتار و اعدام‌های دسته‌جمعی از زندانیان سیاسی و فراریان از جنگ و بسیج اجباری سراسر جامعه محنت‌زده ما را فراگرفت؟ و چرا کارگران و زحمتکشان ایرانی، هر روزه در کوچه و خیابان، شاهد به دار آویخته شدن فرزندان مبارز و انقلابی خود بوده‌اند؟ بنا براین، چگونه مقامات مسئول «n» این جنایات فدا انسانی را ندیده گرفته و مسئولیت بین‌المللی خود را بر اساس مصوبات کنوانسیون ژنو، در قبال این عده از پناهندگان که شمار بسیاری را نیز تشکیل میدهند به فراموشی سپرده و حمایت و انجام وظیفه‌اش را منوط به پذیرش کشورهای پناهنده‌پذیر نموده است؟ بنا براینکه کشورهای پناهنده‌پذیر از پذیرش این عده از پناهندگان خودداری بنماید، آیا «n» بر اساس مصوبات کنوانسیون ژنو و با استفاده از اهرمهای دیپلماتیک و بین‌المللی، نمیتواند کشورهای پناهنده‌پذیر را ملزم بنماید که به تعهدات خویش در قبال مصوبات ژنو عمل کنند؟

ما، بدین وسیله، از یکسو به مقامات مسئول «n» و کشورهای پناهنده‌پذیر هشدار میدهیم که مسئولیت هرگونه عواقب سوء و زیانبار در قبال سلب حمایت از پناهندگان به عهده خودتان میباشد و از سوی دیگر از تمام پناهندگان و آوارگان میخواهیم که با تشکل و اتحاد و همبستگی در جهت کسب حقوق خویش فعالانه شرکت بنمایند. همچنین از تمام سازمانها و احزاب انقلابی و مترقی ایران، مجامع بین‌المللی و شخصیت‌های مترقی، میخواهیم که از جان پناهندگان و آوارگان ایرانی که در معرض خطر جدی قرار دارند حمایت نمایند.

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه

۱۵ ژوئن ۱۹۸۹

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

اخادی جز لاینفک حاکمیت

رژیم وابسته به امپریالیسم

جمهوری اسلامی

رسوایی انتخابات اخیر رژیم و

یاوه‌های امام جمعه تهران

"آسیب‌های اجتماعی"

وراه حل‌های جمهوری اسلامی

۶۸/۵/۱۸

۶۸/۵/۲۱

۶۸/۵/۲۲

سالهاست که غارت و راهزنی به جز لاینفک حکومت شد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بدل گشته است و زحمتکشان ما کمتر روزی با هر طول یک دهه اخیر سراغ ندارند که در هر کوی و برزن با سفره گسترده گدائی آخوندهای رذل و مزدور حاکم روبرو نبوده باشند. در همین اواخر نیز با اینکه هنوز پیش از یکروز از مرگ خمینی جلاد نگذشته بود سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی بفرز مجددی برای بازهم بیشتر سرکشیه کردن توده‌های تحت‌تتم میهنمان را آغاز کردند و آب پاکی برست عده‌ای که گمان میکردند از برکت مرگ خمینی مزخیم لاف‌ها برای چند روزی از دست غارتگرهای رژیم برامانند ریختند چرا که توده‌های تحت‌تتم ما در حالیکه فکر میکردند سردمداران رژیم از یکطرف بخاطر سر درگیریهایی داخلی خود بخاطر تقسیم ارثیه‌ها و بدست‌گیری قدرت و از طرف دیگر برای خاکسپاری جسد خمینی فرصت سرکوب و غارت مردم را نخواهند یافت

سالهاست که در اقصی نقاط میهن تحت سلطه مان سردمداران مزدور جمهوری اسلامی، با سازمان دادن نمایشات مسخره‌ای تحت عنوان نماز جمعه، بخشی از توده‌های تحت‌تتم را با تهنیدات و تاکتیکهای مختلف به این مراسم کشانده و از آن به عنوان بلندگوئی در جهت تحمیل توده‌ها و تبلیغ فریبکارانه سیاستها و عملکردهای ضد خلقی خود و اربابان نشان استفاده می‌کنند. در عین حال این نمایشات متوالی به نوبه خود یکی از بهترین زمینه‌هایی هستند که با بررسی آنها میتوان عمق دنائت و پستی سگان زنجیری امپریالیسم و ماهیت واقعی دیکتاتوری ضد خلقی آنها را بازشناخت چرا که در نمایشات نماز جمعه، آخوندهای روضه‌خوان و رذل که تحت نام امام جمعه هدایت و صحنه گردائی آنرا در شهرها و بخشها و حتی روستاها به عهده دارند وظیفه شان به انحاء و اشکال مختلف، همانند تئوپرهزه کردن فقر و بدبختی و غارت و سرکوب‌ناهی از سلطه منحوس امپریالیستی در صفحه ۱۸

رشد بیسابقه فقر و فلاکت و به تبع آن افزایش دامنه بزهکاریهای اجتماعی یکی دیگر از خصوصیات برجسته پروسه بسط و توسعه مناسبات امپریالیستی در سراسر دنیا است. اصولاً نظام سرمایه‌داری از آنجا که نظامی گنبدیده و در حال احتضار است در بطن خود موجد ظهور و گسترش انبوهی از مفاسد و بلائیهای اجتماعی برای کارگران و توده‌های تحت‌تتم میباشد. بی‌دلیل نیست که در جوامع سرمایه‌داری هر چه استثمار و غارت توده‌های میلیونی کارگر و زحمتکش شدت مییابد، هر چه مصرف میلیونی ارتش بیگاران افزوده میشود، هر چه توده‌ها دچار فقر و فلاکت بیشتری میشوند و هر چه سرمایه‌داران زالوصفت جاق و چله‌تر میشوند و حاصل خون و عرق کارگران را چون زانو مکنده و می‌کنند، در چنین وضعیتی دهشتناکی مرتباً بر تعداد بزهکاران اجتماعی و قربانیان آن که طبیعتاً اکثر قریب به اتفاقان از میان کارگران و زحمتکشان و طبقات فرودست میباشد افزوده میگردد.

این خصوصیت عام نظام سرمایه‌داری، بویژه در جوامع تحت سلطه که سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در آنها استقرار یافته، نظیر میهن ما با برجستگی هر چه بیشتری خود را آشکار نموده و در این در صفحه ۲۵

به کباره متوجه شدند که سخت فراموشیهاست
به همین خاطر هم بود که هنگامی که
مردم محروم ما به ناگهان باز میزدهای
رژیم برای ساختن مقبره برای امام
جنایتکار مواجه شدند فهمیدند که
مرگ خمینی جلا نه تنها سایه چماق
غارت و شقاوت رژیم را هر چند برای مدتی
کوتاه کم نکرد بلکه بهانه‌ای نپوشد
برای تشدید هر چه بیشتر غارت انسان
توسط سگان زنجیری حاکم.

آری همانگونه که همگان میدانند
درست یکروز پس از مرگ خمینی جلا این
سگ پیر امپریالیسم، مردمان را رژیم
اعلام کردند که در نظر دارند مقبره‌ای
برای خمینی بسازند و آنهم بطسری
باشکوه (چرا که گویا این قبر میباشد
در ریف و در کنار سایر امامزاده‌های
مشهور مورد زیارت مسلمانان جهان قرار
گیرد. آنان طبق معمول اعلام کردند که
این مقبره می‌بایست با به اصطلاح کمکهای
مردمی ساخته شود و برای این منظور
نیز حساب شماره ۲۰۰ بانک ملی را برای
اینکار اختصاص دادند این مزدوران برای
آنکه بتوانند مردم را به خیال خام
خوشان بهتر فریب دهند رهنجایی را
تراولین جمعه پس از مرگ خمینی ولد معرکه
کردند تا از قول احمد خمینی بگویند:
"ایمان (یعنی احمد خمینی) ما بلند مردم
این مزار را بسازند زیرا احساس میکنند
که امام خمینی تمایل دارند که مزارشان
از چیزهایی که مردم میدهند، ساخته
شود." آری با چنین برنامه‌ای بود که
زحمتکشان پی بردند بهانه‌ای دیگر برای

غارت هر چه بیشتر آنان تدارک دیده‌شده
برنامه‌ای که اینبار مرگ خمینی وسیله
آن شد.

از طرف دیگر چون سردمخساران
رژیم در طول یک دهه حاکمیت منحوسان
بخوبی دریافته‌اند که هرگز قادر نبوده
و نیستند چنین مبالغ کلانی را با میل و
رضای زحمتکشان از آنان دریافت نمایند
به وسیله ابزار همیشگی خود برای نیل
به آن متوسل شدند. آنان اینبار نیز
مانند سایر موارد از ابادی خسود در
شوراهای اسلامی، انجمن اسلامی، مساجد و
سایر اماکن و ارگانهای غارت و جهاول
خود سود جستند و با بسیج همه جانبه
این ارگانهای غارتگری کار اغاذی خود
را آغاز کردند. حال اگر خواسته باشیم
گوشه کوچکی از مورثی را که در زمان سرگرد
بگیر حاکم در این حرکت بر علیه زحمتکشان
ما سازمان دادند بفهمیم لازم است
تا به روزنامه‌های رنگارنگ جبهه‌خوار
رژیم نظری بینکنیم تا چگونگی وسعت
این غارتگریها بیشتر آشکار گردد.

برای نمونه تنها در روزنامه‌کجهان
بتاریخ ۷ تیر ماه تحت عنوان "کمکهای
مردمی برای احداث مرقد مطهر امام"
میخوانیم که: کارکنان اداره بازرگانی
۱۲ روز از حقوق خود را بحساب شماره ۲۰۰
بانک ملی واریز نمودند. کارکنان
فرمانداری و بخشداریه‌های تابعه
بندرتراکم ۱۰ روز از حقوق خسود را
کارکنان مرکز بهداشت و واحد های
تابعه ۵ روز حقوق خود، بنیاد مسکن ۱۰
روز از حقوق خود را به حساب شماره ۲۰۰
واریز نمودند و بالاخره لیست

بلند بالایی از آنها اسامی دیگر از
کارگاهها و کارخانجات و ادارات و غیره
که هر کدام مبالغی را به این حساب واریز
نموده‌اند می‌توان دید که ما از آوردن
اسامی یکایک آنها خودداری میکنیم. در
اینجا باید گفت که این تنها نمونه
بسیار کوچکی از اغانیها و آنهاست تنها
اغانیهایی است که در آغاز این کار سازمان
یافته و ما لیست تمام ناشدنی آن را در
روزی نامه‌های رژیم می‌خوانیم مسلما در
آینده خواهیم دید که مبالغ سرسام آور
دیگری از حقوق سایر زحمتکشان تحت نام
کمکهای مردمی برای ساختن و گسترش
مزار خمینی بجهت دولت‌مردان سرازیر
خواهد شد. اما اگر از بهانه ضد خلقی
رژیم در تاراج هر چه بیشتر سترسیج
توده‌ها و سرکشی کردن آنها تحت عنوان
ساختن گور خمینی بگذریم باید دید که
این اغانیها در چه شرایطی صورت
می‌پذیرد.

این اغانیها در شرایطی انجام
می‌گیرد که توده‌های زحمتکش میهنمان در
تنگنای مالی و جفتاکی بسر می‌برند و
در شرایط بحران شدید امپریالیستی
گره‌ها بگنجر رژیم، قادر نیستند حداقل
نیازهای خانواده خود را تامین نمایند
و بقول یک کارشناس اجتماعی، نان و
پنیر جزء غذاهای لوکس اکثر ایرانیان
بحساب می‌آید. در شرایطی که بیکاری و
گرانی، فقر و تلنگستی به نداد میکند و
تعداد زیادی از خانواده‌های ایرانی از
پی پولی ناچارند در موارد بسیاری حتی
یک وعده از سه وعده غذای روزمره خود

زنده باد خلق رزمنده‌گرد که برای آزادی می‌جنگد

است ۳۰ این مزدور شناخته شده درست در همان لحظه که مقدمات دستبرد زدن به دسترنج توده‌ها را حاضر می‌سازد. با چنین سخنانی می‌خواهد چنین القا نماید که گویا آنان مایل نیستند از بسول دولت و بیت‌المال صرف‌مقبیره خمینی بنمایند و مایلند که مردم در اینکار دست بکار شوند ولی کیست که نداند این سخنان تروغی بهی نیست چرا که توده‌های محروم و آگاه ما به کسرات دیده‌اند دولت ضد خلقی جمهوری اسلامی در طول سال‌ها به خاطر ورشکستگی خویش همواره از کسری بودجه نالیده و هرگاه نیز که مسئله عمرانی و رفاهی وغیره بمیان آمده عامل انجام نشدن کارها را کمبود بودجه اعلام نموده است؟ پس برای آنها پرسیدنی است که حال چگونه چنین بودجه هنگفتی برای ساختن مقبره خمینی آنها می‌باشد از این دولتی که حاضر نیست نذره‌ای از سرمایه ملی که دراصل جزء ثروتها و حاصل کار خود زحمتکشان میهنمان می‌باشد را در راه همین مردم خرج نماید دولتی که حاضر نیست به‌امثال زن بیوه‌ای که یکی از انارات دولتی او را همراه با ۵ فرزندش از خانه سگوفش با اجازه داستانی بیرون میکند کمکی بنماید و زن بیچاره و درمانده بناچار برای گذران زندگی خویش میبایست دست بدامان مردم خود تا با کمکهای آنها قادر به ادامه زندگی گردد. چگونه بخود اجازه میدهد میلیونها تومان را صرف قبر جلاذ زمان نماید؟ بدراستی این رژیم تا کی قادر خواهد بود پست چنین فریبکارها و غارتگرهایی به‌حاکمیت ندگین خود ادامه دهد؟

در گذشته اگر رژیم و مزدورانس هنگامیکه دست تکدی بسوی توده‌ها دراز میکردند و انتظار داشتند که آنان بسا میل و رغبت به این اغائبهای تن دهند، وقتی در این ناکام می‌مانند به کسر بدون اجازه از حقوق و درآمد آنان بمیزان ۲۰۱ و حداکثر سه‌روز بسنده می‌کردند ولی امروز به‌موازات رشد بحران و ورشکستگی هرچه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی همانطور که در آمار فوق نیز می‌بینیم این مبلغ بمیزان زیادی حتی تا حد ۱۰ روزه ۱۲ روز و غیره افزایش یافته است به بیان دقیقتر امروز رژیم شدت اغائبهای خود را تا حد تقریباً نیمی از حقوق زحمتکشان افزایش داده که میزان آن در گذشته سابقه نداشته است. به همین خاطر است که امروز دیگر برای همه روشن است که رژیم جمهوری اسلامی و رزیمی که خود را طرفدار مستضف و طرفدار مردم جا میزند هدفی جز جپاول و غارت هرچه بیشتر این مردم نداشته و ندارد. امروز دیگر زحمتکشان بروشنی دریافته‌اند که این سردمداران مزدور رژیم که گهگاهی نیز از شدت ترس و هراس خویش و به خاطر ردد تضاهای نیروی فی‌ما بین خود از گرانی‌ها و ننگستی مردم نم میزنند به‌تنها چیزی که میانند تمدن تامین منافع اربابان امپریالیستان و ازباده اندوخته‌های خود در بانکهای خارجیست و لا الهی الا الله.

در اینجا جا دارد اشاره‌ای نیز به دیگر فریبکارهای رژیم بنمائیم. رفسنجانی هنگام دراز کردن دست‌گدائی خویش برای ساختن گور خمینی در همین نماز جمعه اضافه می‌کند که: «البته همه امکانات دولت و بیت‌المال برای ساختن مزار آماده است که بهترین جای مصرف

بکاهند وعده زیادی نیز در روز حستی قادر نیستند همین دو وعده غذا و سه وعده غذای روزمره را برای مسود و خانواده‌های مهیاسازنده در چنین وضعیتی است که مزدوران رژیم که در انجمنها و غوراها می‌زدخلقی و سایر ارگانهای ضد خلقی بکار غارت و استثمار زحمتکشان مینویسند با همکاری مدیران و سانسور دست‌اندرکاران رژیم مبالغ زیادی از حقوق آنان را به‌ما پیش برداشته و در کسبه دولت سرازیر می‌نمایند و به‌عمر می‌رانند بعدی می‌نمایند که بر آن کمکهای بی‌بهره مردم نام می‌نهند. آخر زحمتکشان ما که قادر نیستند زندگی خود را با درآمد اندک خود تامین نمایند چگونه حاضرند دسترنج خود آنها نه یک روز بلکه چندین روز را برای ساختن گور مزدوری که در طول سال مظهر تمامی کثافات و جنایات ناشی از سلطه امپریالیسم بر زندگی بخور و نهم آنها بوده است پرداخت نمایند؟ آنانی که حتی مبلغ ناشی از یکروز درآمدشان تاثیر بسیاری در زندگیشان ندارد؟ چگونه با میل و رغبت مبالغی از حقوق خود را آنها هم بمیزان ۵ روز یا ۱۰ روز یا ۱۲ روز و حتی بیشتر در این راه می‌بخشند؟ آیا این ادعای رژیم مبنی بر اینکه مردم با میل و رغبت به ساختن گور خمینی جلاذ کمک می‌نمایند و مقداری از حقوق خود را تحویل دولت میدهند در چیزی جز تروغهای بی‌سرمانه و فریبکارانه می‌توان دانست؟ رژیمی که حقوق زحمتکشان را حتی گاهها بدون اطلاع آنان بهر میزان که مایل است برمی‌دارد چگونه بخود اجازه میدهد که برای بکار غارتگرانه خود نام «کمکهای مردمی» بگذارد.

آری چنین است وضعیت توده‌های زحمتکش میهنمان تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مردم زحمتکش ما ده سال و اندیست که با چنین اعاذ بها و فریبکاریهایی مواجه شده ده سال و اندی است که استان جنایتکار امپریالیست از آستین جمهوری اسلامی بهی از پیش گلوی آنان را می‌نماید و هر روز زندگی را بر آنان تنگتر و مشکلتر می‌نماید. امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی تداوم راه همان حکومت مزدور پهلوی بوده و مانند اسلاف خویش نرزه‌ها تا همین منافع اربابان امپریالیست از هیچگونه جناحی کوتاهی نمی‌کنند اما تجربیات خونین این سالها بخوبی به توده‌های آگاه آموخته است که تا زمانیکه سایه شوم امپریالیستها بر میهنمان و بسر زندگی مردمان سنگینی میکنند هر رژیمی

و تحت هر نامی که بر سر کار باشد وضعیت مردم همان خواهد بود که اکنون است و از ستمگریها و غارتگریها نه تنها کاسته نخواهد شد بلکه هر روز بهی از پیش بدت یافته و ابعاد وحشتناکتری بخود خواهد گرفت چرا که امپریالیستها برای ادامه زندگی انگلی خود همواره به استثمار و غارت بهی از بهی توده‌ها نیاز دارند. تنها زمانی میتوان از جنگال خونا بود این هیلوی مرگ آفرین غارت و سرکوب‌رهای یافت که استان آغشته بخون و جنایات امپریالیستها از سر وقت میهنمان و خلقهایمان کوتاه گردد امری که جز از طریق نبرد سخت و بی‌امان و نبردی که نابودی کامل سلطه امپریالیستها و مناسبات ظالمانه آنها را به همراه ناعده باشد یعنی از طریق مبارزه مسلحانه توده‌ای و طو لانی میسر نیست.



رسوایی انتخابات اخیر رژیم و پاره‌های امام جمعه تهران

از صفحه ۱۵

است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول يك نده اخیر مظاهر اعمال آن بر حیات و هستی توده‌های زحمتکش ما بوده است.

به همین خاطر هم هست که صحنه گردانان این نمایشات و رنبله‌ها هر هفته می‌کوشند که در روزه‌های خویش و هر چه بیشتر دروغ بگویند، انان توده‌ها را منحرف گردانند و بالاخره به هزار و یک عیوه مذبوحانه بهر گزست بهازند تا بلکه به موازات سرکوب عنان گسخته با فریب توده‌ها بعضی دیگر از امسور دیکتاتور حاکم را با چنین تمبشاتی

بر علیه جذب نماید. با توجه به چنین واقعیت و شناخت حقیقی‌ای از نمایشات نسا ز جمعه است که میتوان اراجیسف و پاوه سرائی‌هایی هم که آخوند امامی کاشانی ضد خلقی در نماز جمعه این هفته در تهران در رابطه با انتخابات مسخره اخیر در جمهوری اسلامی به خورد توده‌ها داد را در یافت.

این مزدور جنایت بهیسه در حالیکه بیش از ۲ هفته از خیمه شب بازی رژیم تحت نام انتخابات می‌گذرد و هر روز شواهد و قرائن جدیدتری از ورعکتگی سردمداران جمهوری اسلامی در این

به اصطلاح انتخابات و قلابی بودن آن منقصر میشود. هر روز باز هم با بیخبری عنوان کرد که " ما بعد از امام شاهد بسک همه برسی و يك انتخابات ریاست جمهوری بودیم و يك حضور گسترده ملت " همین آخوند رذل در قسمتی دیگر اروضه - خواننده‌های انامه مینهد " ملت آسندن های صندوقهای رای و آن رای قاطع رابه قانون اساسی نایند و آن رای قاطع را به برابر بسار عزیز و ارجمند مومن رئیس جمهور مومن ناین" نخست باید با ناوری کرد که تنها جنایتکارانسی نظیر سردمداران رها کار جمهوری اسلامی هستند که مانند سلف برحقان یعنی گوپلز فاعیت فکر می‌کنند " دروغ هر چه بزرگتر باشد یا ور کردند هم راحتتر است " و امامی کاشانی روضه خوان هم با پیروی از این تجربه همبالگی هایش است که سعی می‌کند با تشوار کسردن عبارت‌های بی‌معنای نظیر به اصطلاح حضور گسترده و ملیپونی ملت و رای قاطع آنها در انتخابات به توده‌های

تحت ستم بقبولاند که گویا ملت واقعا حضور گسترده‌ای نر خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم ناعده اند (اما برغم تمامی این نروغبرنازیهای بیشرمانه و اگر یکبار دیگر به خود آمار و ارقام سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در مورد میزان حرکت توده‌های واجد حق رای در این نمایشات رجوع کنیم ما هیت به اصطلاح حضور گسترده " و " رای قاطع " ای که امام جمعه نروغسوی تهران بدان استناد ورزیده کسی بهتر روشن خواهد شد :

مطابق آمار رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی ۲۵ میلیون تن از توده‌های معروم ما می‌توانسته اند در نمایشات انتخاباتی

اخیر رژیم حرکت کنند ولی در این میان برغم تمامی تاکتیکها و تلافیهای مذبحخانه رژیم، و تقلبات رایج، مزدوران حاکم تنها موفق شده اند چیزی حدود ۱۶ میلیون رای را از صندوقهای شعبده بازی استخراج کنند که البته لازم به توضیح نیست که بسیاری از این به اصطلاح آراء از قبل در صندوقهای فریب و ریب رای انتخاباتی منظور شده بودند. به عبارت ساده تر حتی با وجود تمامی ادعاهای سراسر دروغ بوقهای تبلیغاتی مبنی بر بیرون کشیدن ۱۶ میلیون رای از صندوقهای شعبده بازی رژیم روشن می گردد که حداقل بنا به اعتراف خود رژیم ۹ میلیون نفر یعنی ۳ صاحبان رای بنمایشات مسخره رژیم را تحریم کرده اند.

پس پرسیدنیست که منظور جناب امامی کاشانی از حضور گسترده ملت و رای قاطع آنها کدام ملت و کدام رای قاطع است؟

آیا منظور از حضور گسترده، همان ملتیست که جمهوری اسلامی با تدارکات سرسام آور خویش به هروسيله کوفید که آنها را به پای صندوقهای رای بیاورد ولی میلیونها تن از آنان نیامدند؟ آیا منظور همان ملتیست که با وجود اینکه در مقطع برپائی مضحکه انتخاباتی موسوی اردبیلی جنایتکار تهدیدشان کرد که اگر در نمایشات انتخاباتی حرکت نکنند به معنای آن است که ضدانقلابند؟ ولی باز هم حداقل بطور رسمی ۹ میلیون تن از آنان حتی به این زوزه سگان زنجیری وقتی نگذارند؟ و یا شاید هم

منظور امامی کاشانی از به اصطلاح حضور گسترده ملت در نمایشات انتخاباتی و رای قاطع آنان به این مضحکه عبارت از همان برگه های سفیدی است که بسیاری از اندک حرکت کنندگان در نمایشات اخیر به خاطر آنکه فقط مهر انتخاباتی رژیم مانند يك دهگفته بر فاسنامه های آنها حك شده و کوهن و بن های ناچیز آنها قطع نگردد، آنها را به صندوق انداختند. مثل معروفی است که میگوید با حلوا حلوا کردن همان شیرین نمیشود اما سردمداران دغلاکار جمهوری اسلامی نظیر همین امام جمعه تهران در حالیکه ورشکستگی و رسوائی بی سابقه شان در جریان مضحکه اخیر انتخاباتی هیره عام و خاص شده هنوز هم با تکرار عبارات غیرینی نظیر "حضور گسترده ملت" و "رای قاطع ملت" مانند مار زخم خورده در مردانده که تلخی کام خویش را با این وسیله بر طرف سازند. به هر رو اراجیف بر حرارت امامی کاشانی در رابطه با حضور گسترده ملت در نمایشات انتخاباتی در حالی عنوان می گردد که صحنه گردان اصلی این مضحکه یعنی محتشمی جنایتکار چند روز پیش طی مصاحبه ای با هفته نامه عربی الوطن العربی اعتراف کرد که حداقل ۳۰ درصد از صاحبان حق رای از شرکت در خیمه شب بازی اخیر خودداری نموده اند و تازه تمامی این آمار و ارقام سوی گزارشات است که در جریان نمایشات انتخاباتی رژیم از سوی منابع مختلف انتشار یافته و در همگی آنها بر این واقعیت تاکید شده که اکثر حوزه های رای گیری در طول روز انتخابات

خلوت و در برخی از مناطق حتی يك نفر هم در کنار صندوقهای مارگیری رژیم مشاهده نشده است. از سوی دیگر جالب اینجاست که درست در زمانی که امامی کاشانی دغلاکار در تهران در صدد است که با فریبکاری تمام به مشتریان خویش بقبولاند که توده های تحت ستم ما با حضور گسترده و رای قاطع از انتخابات قلبی رژیم استقبال کرده اند، آخوند همبالگی دیگر ایمان در غوغا تر نیز با همان وقاحت و بیشرمی مشغول لاپروغانی و توجیه دلائل شکست نمایشات انتخاباتی رژیم و ورشکستگی صحنه گردانان آن در منبر نماز جمعه است. امام جمعه هوشتر با بلاغت خاص خود اعتراف می کند: "بسیاری از مردم شیرین و عزیزمان با مغفول بودن به امر مقدس کف و رزی شاید نتوانستند در انتخابات شرکت کنند صحنه ای را که خود بنده شاهدش بودم ضمن باز نیدی که از یکی از صندوقهای سيار روستائی داشتیم به اتفاق برادران مسئول شهرستان تعداد زیادی از برادران و خواهران عزیزمان مغفول گشت برنج بودند من گفتم چه عیبی دارد صندوقهای رای را شما نزد آنها ببرید گفتند ما حرفی نداریم صندوق را ببریم اما آنها فاسنامه هایشان را با خودشان به همراه ندارند."

بله اگر از کمی تفاوت در چگونگی بیان مطلب و همچنین از بلاغت همبالگی امامی کاشانی یعنی امام جمعه هوشتر بگذریم، در روضه خوانیهای هر دو این مزدوران، این واقعیت یعنی

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

بیش از پیش بر ملا می‌شود این صرفاً بدان خاطر است که کارگران و زحمتکشان نادیده نگرفته می‌شوند. به اینگونه نمایندگان ندارند و حق تعیین آزادانه سرنوشت و مسیر بهروزی خود را نه در جعبه‌های مارگبری رژیم، بلکه در بسترهای دیگر یعنی فرستر نابودی مناسبیات امپریالیستی حاکم دنبال می‌کنند. به همین خاطر هم هست که زوزه‌های امام جمعه جنایتکار تهران در مراسم نماز جمعه این هفته مبنی بر به اصلاح حضور قاطع و گسترده ملت در نمایندگان انتخاباتی رژیم، فاقد کوچکترین عنصری از حقیقت بوده و تنها به نزد مصارف ضد خلقی ایمان و همپالنگیهای مزدور در تریبون‌های رسوای نماز جمعه می‌خورد.



دلیل هم هست که ما شاهدیم که پس از فرجام هریک از این رفتارندومپسا و انتخابات کذائی نه تنها تغییر در زندگی سراسر فلاکت کارگران و زحمتکشان ما حاصل نمی‌شود بلکه هریک از عناصر ضد خلقی تازه به دوران رسیده، جایگزین همپالنگی‌های قدیمی می‌گردند تا بتوانند دو چندان زنجیرهای فقر و اسارت نظام امپریالیستی را بر دست و پای توده‌های تحت‌تستم ما محکم کنند. بنی‌صدر رفت و رجائی آمده او هم رفت و خامنه‌ای آمد و اکنون نیز خامنه‌ای می‌رود تا رسنجان بیاید و برآمدو رفتنی رژیم سرکوبگر بسور و حدیثه تری را به زندگی و هستی خلقهای ما سازمان می‌دهد. بله! این است ماهیت به اصطلاح انتخابات در جمهوری اسلامی. پس اگر امروز انتخابات قلابی اخیر رژیم نیز به نحوی بسیار گسترده تر از نمونه‌های پیشین توسط توده‌های به جان آمده و آگاه ما تحریم می‌گردد و پته رسوائی مزدوران حاکم

و رشکستی سردمداران جنایتکار رژیم و انتخابات کذائی شان در کشور است کسه بهر از بهر روشن می‌گردد. اما این واقعیت به هیچ وجه امر غریبی نیست چرا که حقیقت این است که توده‌های تحت‌تستم ما در طول دهال زندگی متفلسفست بار تحت دیکتاتور امپریالیستی جمهوری اسلامی بنحو روشنی پی برده‌اند کسه نمایانست که هزار چند گاه یکبار توسط سردمداران مزدور جمهوری اسلامی تحت نام رفتارندوم و همه پرسی و انتخابات به اصطلاح آزاد بر علیه توده‌ها سازمان داده می‌شود، در واقعیت امر پاسخ به نیازهای دستگاه سرکوبگر امپریالیستی است که می‌کوشد منطبق با رید بحران و به موازات ضرورت تغییر سازماندهی سگان زنجیری امپریالیسم هاین تغییرات از بهر انجام شده را با اجرای نمایانست تحت عنوان انتخابات بر علیه توده‌های تحت‌تستم قانونیت بخندد. درست به همین

ما همانا روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و غارتگرانه موجود هستند، امپریالیستها و عمال وابسته به آنان به هر طریق میکوشند که چه سره کثیف مناسبات سیاه جاری و حکومت‌های سرکوبگر را به عنوان عامل اساسی حفظ این مناسبات ظالمانه در جامعه بسوزانند و در این تلاش ایدئولوژیکها و نظریه پردازان جیره خوار و رنگارنگ بورژوازی نیز به نوبه خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. در جمهوری اسلامی نیز بعنوان یک رژیم وابسته به امپریالیسم، مزدوران حاکم علاوه بر استفاده از دستگا‌ه‌های سرکوب برای مهار اوضاع استیبار اجتماعی ای که خود با شی و باعث آن هستند به قلمبه‌مزدان و مزدوران جیره خوار خویش از آخوندهای پامشیری گرفته تا سایر عمال و نظریه پردازان نظام نیز ما موریت میدهند تا با زبان و قلمم خویش در هر فرصتی مناسبات سیاه و

اعلی بروز آن، حاکمیت مناسبات استثمارگرانه و سرکوبگرانه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و فقر، فلاکت و بیکاری حاصل از این نظام میباشد.

فقر و فلاکت دهشتناکی که با افزایش بحران امپریالیستی و سرشکن شدن آن در کشورهای تحت سلطه اوج بیشتری یافته و اثرات مخربش را در رواج روز افزون دزدی، فحشا، فساد و غیره... در ایجاد گوناگون زندگی توده‌های تحت‌تستم بهجا میگذارد، بزنگارهایی که از مناسبات ظالمانه حاکم ناشی شده و حکومت مزدور موجود در جامعه یعنی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیز نقش تشدید کننده خویش را در گسترش این بلاها بطور عینی به منته ظهور میرساند.

اما اگر قواش و شواهد بیشمار موبد این واقعیت هستند که ریشه تمامی بلاها و مصیبت‌های اجتماعی جوامسج سرمایه‌داری و بطور مشخص همین تحت سلطه

«آسیب‌های اجتماعی» و راه حل‌های جمهوری اسلامی

از صفحه ۱۵

جوامع روند رشد فقر و فلاکت اقتصادی توده‌ها در شرائط وجود یک دیکتاتور عربی و عنان گسیخته اسعادی وحشتناک و تمامعدی یافته و این واقعیت با همه رشتی‌اش بر جستگی تمام خود رابه‌نمایش میگذارد.

تحت تاثیر مستقیم حاکمیت چنین مناسباتی است که امروزه حتی سگان زنجیری حاکم بر میهنمان خود معترفند که وجود دست‌کم یک میلیون محتسب و مدها هزار بزنگار اجتماعی، ازسارقین گرفته تا فواحش و غیره از گسترش مفاسد اجتماعی در جمهوری اسلامی خبر میدهند. بهر رو جدا از این اعتراف این خیسل عظیم، قربانیان وضعیتی هستند که غسل

امپریالیستی جاری را تطهیر نموده و توده‌ها را بیش از پیش تحمیق کرده و آنان را در گمراهی فرو ببرند.

با چنین توصیفی است که چندی پیش فردی به نام علی قاشمی که به عنوان استاد دانشگاه از سوی ورق پیکار به اطلاعات رژیم از وی یاد شده اندرباب به اصطلاح "آسیبهای اجتماعی" نسخه‌ای پیچیده است که نگاهی به محتویات آن ما هیت کثیف تبلیغات رژیم موجود و دغلكاری دولتمردان جمهوری اسلامی و همپالگهایشان را بخوبی روشن می‌سازد. وی پس از ذکر ارا حریف مسخره‌ای در مورد پیشگیری از مآضاب اجتماعی و با آنچه که وی آنرا فرو رفتن در هوا و هوس، سببیت، گناه و تبهکاری خوانده است سرانجام فتوا میدهد: "یکی از شیوه‌هایی که به صورت مجموعه در پیشگیری باید مورد توجه قرارگیرد تقویت مذهب و اخلاق است، زیرا مذهب عامل بازدارنده نیرومندی از گرایش به انحرافات است." قاشمی حیره‌خوار در زمینه به اصطلاح درمان مذهبی و اخلاقی آسیبهای اجتماعی میگوید: "اینکار از طریق احیای وجدان، تکیه بر فطرت، رشد زمینه‌های اعتقاد به حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، اعتدالی سطح فرهنگ افراد، تفکر و تعمق در جنبه‌های رفتاری خود و اعتقاد سازنده می‌سازد".

حقیقت این است که سخنان جناب قاشمی در مورد پیشگیری و درمان آسیبها و بزهداریهای اجتماعی با توسل به جهنم و بهشت و از این قبیل ستمسکها دروغ و گزافه‌گویی محض بسوده و هیچ خاصیتی ندارد چسز اینکه به کار آخوندهای مزدور و ردلی بیاید که با نشخوار آن در روزه‌های شب جمعه خویش‌ذهنی توده‌ها را مشغول کرده و بکشند برای مدتی آنان را کم‌سراه و سردرگم نمایند، چراکه اگر حتی لحظه‌ای بخواهیم در ترهات ایشان تعمق کنیم، سرما روشن میگردد برخلاف نظر وی نه تنها مذهب عامل نیرومندی در جلوگیری از آسیبهای اجتماعی نیست بلکه بررسی‌های تاریخی در همین جامعه تحت سلطه خودمان نشان میدهد که مذهب همیشه و از جمله در رژیمهای پیشین نیز اکثرا در خدمت مآحقان قسدرت و

ستمگران و استثمارگران بسوده و به همین اعتبار خود بزرگترین لفا فهای بوده که جنایتکاران بزرگ تاریخ نظیر خمینی جلاد تمامی جنایات و آسیبهای اجتماعی ناشی از حاکمیت امپریالیسم در مین ما را با آن توجیه کرده‌اند. یعنی مذهب و کاربرد آن در قاصسوس جلادانی نظیر برمداران رژیمهای پهلوی و جمهوری اسلامی دقیقا در جهت تئوریزه نمودن و توجیه وضعیت فلاکت‌بار و امارت باری بوده و هست که توده‌های میلیونی کارگر و زحمتکش در آن بسر می‌برند و نه در جهت پیشگیری و تخفیف آسیبهای اجتماعی. از همین رو است که می‌بینیم نظریه‌پرداز دغلكار نظام سرمایه‌داری وابسته یعنی جناب قاشمی در بررسی علل آسیبها و بزهداریهای اجتماعی هم‌بندون آنکه به ریشه‌های اقتصادی - سیاسی پدیده‌های ناگوار فوق و دلیل مادی رشد و گسترش آنها بپردازند، بیشتر به ذهنیات و مقوله‌هایی نظیر وجدان، فطرت، بهشت و جهنم و غیره متوسل میشود تا چهره عامل اصلی آسیبهای اجتماعی یعنی رژیم جمهوری اسلامی به عنوان حافظ مناسبات امپریالیستی حاکم بر جامعه را تطهیر کند، حال آنکه آسیبها و بزهداریها در جامعه به مثابه پدیده‌های مادی نه زائیده آسمانها و اوهام و رویاها بلکه در بستر مناسبات مادی معینی بوجود آمده و به همین علت هم با تغییر آن دگرگون خواهند شد، اما اگر باز هم بخواهیم با جناب قاشمی و نسخه گذاششان برای جلوگیری از بیماریهای اجتماعی یعنی از طریق تقویت مذهب و وجدان و غیره، پیش برویم، با حقایق دیگری نیز برخورد خواهیم کرد که کذب‌آمها و قلابی بودن استدلالات مسخره ایشان را بهتر نشان خواهد داد، چراکه پس از یک دهه حاکمیت سنگین در همین جمهوری اسلامی، بسه عنوان بکار رژیم وابسته و البته با پوشش و ایدئولوژی اسلامی باز هم شاهدیم که حجم و حتی کیفیت جرائم و مآضاب اجتماعی اعم از اعتیاد و بزهداری و غیره بطور روزمره بالا رفته و جمهوری اسلامی فدخلقی در دامن زدن به آسیبهای اجتماعی حتی روی رژیم مزدور و غیرمذهبی شاه را هم سفید کرده است، کذب‌آمها های قاشمی اینسن

مشاهده‌گر سرمایه‌داری بویژه وقتی روشن میگردد که دریا بنیم بنا بر یک آماری که طی سال گذشته یکی از مزدوران رژیم داده است میزان زندانیان و مسوار ارتکاب جرم در فاصله دهساله ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۶ حدود ۳۰٪ افزایش نشان میدهد که البته به گفته این مزدور افزایش جمعیت نیز در آن گنجانده شده است از سوی دیگر آمار معتادین نیز بطور یقین ظرف همین مدت چند برابر شده و حداقل جمهوری اسلامی به اصطلاح مذهبی میتواند به خود بنیاد که تحت حاکمیت جنایتکارانه امپریالیستی اش موفق شده است رقم یک میلیون از کل ۱۵ میلیون معتاد سراسر جهان را به خود اختصاص دهد. و البته ما فعلا به گزارشات که تعداد معتادان در جمهوری اسلامی راجعی بیشتر از این اعلام میکنند استناد نمی‌کنیم، اما به رغم افاغات مسخره قاشمی از همین جا میتوان فهمید که چه عامل تعیین کننده‌ای باعث ازدیاد جرائم و شیوع نعیاب اجتماعی در جامعه شده و میشود و صدها هزار زن و مرد و کودک محروم کشور را به کام خویش میبرد. اگر بر اساس منطق جناب قاشمی پیش برویم شکی نباید داشت که از ۱۰ سال پیش و از بدو استقرار جمهوری اسلامی فدخلقی بجای رژیم شاه، با روی کار آمدن این به اصطلاح حکومت معتقد به قرآن، اسلام و امام زمان و غیره میبایست میزان و حجم کلی آسیبهای اجتماعی در کشور سیر نزولی طی میکرد و کاهش مفاسد اجتماعی تحت حاکمیت این رژیم بطور عینی خود را در ۱۰ سال گذشته نشان میداد، اما به وضوح می‌بینیم که چنین نیست و دقیقا از بدو روی کار آمدن رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی مآضاب اجتماعی، هم از نظر وسعت و هم از نظر شدت به طرز وحشتناکی سیر صعودی به خود گرفته است امری که خود رژیم فدخلقی نیز قادر به گشمان آن نبوده است. پس اینجاست که بطلان باطیل نظریه‌پردازانی نظیر قاشمی که می‌کشند علل آسیبها و مآضاب اجتماعی را با مفولاش نظیر فطرت و وجدان و دین و مذهب توضیح دهند روشن میگردد. ولی برخلاف این مسردور حیره‌خوار اگر ما بخواهیم از دلالت و

فرهنگ امپریالیستی و ضدخلقی مورد نظر جمهوری اسلامی، یکی از دلایل کاهش بزهکاریهای اجتماعی میگردد، آنگاه باید به جناب قاشمی گفت برآستی چه نیروی با همه وجود بر علیه فرهنگ مبارزاتی سالهای انقلاب به پاخواست و زیر پرچم اسلام ناب محمدی به سرکوب و حشمانه این فرهنگ و اشاعه فرهنگ امپریالیستی اقدام نموده؟ در اینجا نیز پرسیدنی است که فرهنگ چگونه اعتسلا مییابد؟ اگر بخواهیم بطور خلاصه به مسئله بپردازیم باید گفت که قاعدتاً یکی از مهمترین کانالهای اعتلای فرهنگ در هر جامعه ریشه کن کردن بیسوادی رشد قوه شناخت علمی آحاد جامعه، کیفیت آموزش و پرورش، افزایش کتابخانه ها، افزایش حجم فضای آموزش دانشگاه ها، مدارس عالی و غیره و غیره است.

آیا رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در طول ۸ سال گذشته حدود $\frac{1}{4}$ از بودجه مملکت را صرف دستگاههای جنگ و سرکوب کرده است در این راه قدم موثر و با حتی کوچکترین قدم جدی برداشته است؟ آیا جمهوری اسلامی فرهنگ توده های ما را اعتلا داده است؟ مسلماً خیر پس بازم با توجه به ادعاهای خود قاشمی متوجه میشویم که این رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به مثابه حافظ نظام سرمایه داری وابسته ایران است که موجود اصلی بزهکاریهای اجتماعی است، چرا که این رژیم اتفاقاً از بدو روی کار آمدنش سرکوب فرهنگ ملی و انقلابی توده ها و جاگزین کردن فرهنگ سرکوبگرانه امپریالیستی را به عنوان یکی از روش ما مورثهای امپریالیستی خویش به پیش برده است، همچنین هم اکنون از برکت رژیم منحوس جمهوری اسلامی حداقل ۱۴ میلیون بیسواد در کشور وجود دارد و کار سردمداران رژیم در مورد رسیدگی به وضعیت فلاکت بار فرهنگی و دانش - آموزان کشور این شده است که به شکلی فریبکارانه به دادن وعده های سرخسین بپردازند و در عوض هیچ اقدام عملی در این زمینه ننمایند، همچنین ناگفته پیداست که محتوای کتابهای درسی و تبلیغات فرهنگی دستگاههای نظام منحط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی براساس ماهیت ارتجاعی و تهمیق گرایانه اش نه تنها نمیتواند موجب

ریشه های مادی و زمینی آسیبهای اجتماعی موجود در جامعه، براساس درکی علمی و ماتریالیستی سخن بگوئیم آنگاه این موضوع روشن خواهد شد که دقیقاً به موازات افزایش فقر و فاقه توده ها، بیکاری میلیونی، فشار اقتصادی و بالاخره استثمار و غارت و حشمانه مردم زحمتکش در طول حاکمیت سپاه و امپریالیستی جمهوری اسلامی و به موازات تشدید سرکوب و شکنجه به عنوان جز جدانشدنی و ارگانیک این حاکمیت است که فحایح و معائب اجتماعی از اعتیاد گرفته تا سرقت، فحشاء و غیره بطور روزمره بالا و بالاتر رفته است، در واقع بسیاری از قربانیان فساد و دزدی و جنایت و غیره در جمهوری اسلامی انسانهایی بوده اند که از سرنداری و در درجه اولی بخاطر رفع نیازهای اقتصادی و سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان در کام بزهکاریهای اجتماعی غرق شده اند و این مسئله هیچ ربطی به باصلاح دین و ایمان آنان نداشته و ندارد، چرا که در واقعیت نیز بسیاری از آنان برخلاف باوه گوئیهای جناب قاشمی آدمهای با "دین و ایمان" و بسا "وجدانی" هم بوده و میباشد. از اینرو مسلم است که سخن پردازی در مورد نقش اسامی وجدان، اخلاق، فطرت و غیره و غیره و طرح آن بصور گوناگون بعنوان عامل تعیین کننده در بروز انحرافات اجتماعی و معائب ناشی از آن از سوی نظریه پردازان و آخوندهای ضدخلقی جمهوری اسلامی فقط میتواند محملی باشد برای پوشاندن علل واقعی بروز این انحرافات و کشیدن پرده ساتر بر روی مناسبات ظالمانه و جنایتکارانه سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی که بسا تمهیل استثمار و سرکوب امپریالیستی علت اصلی کل انحرافات و معائب اجتماعی بوده و هستند. مسئله دیگری که از سوی جناب قاشمی جیره خوار در نسخه ایشان برای درمان و پیشگیری انحرافات اجتماعی مطرح گردیده اعتلای سطح فرهنگ افراد است. اگر صرف نظر از دلایل اقتصادی و مناسبات حاکم که خود زمینه مادی فرهنگ هر جامعه ای است ما نیز به عنوان یک دلیل فرعی بپذیریم که رشد و اعتلای فرهنگ انقلابی و نه

آنگونه اعتلای فرهنگی باشد که به کاهش موثر فحایح و آسیبهای اجتماعی بیانجامد، بلکه اتفاقاً رشد و شیوع فرهنگ مورد نظر جمهوری اسلامی در این کتابها خود عامل مزید برعلتی در جهت تشدید بزهکاریهای اجتماعی بسوده و میباشد.

اکنون دیگر براساس همین واقعیات مشخص میتوان به پوچ بودن تشریحات و اراجیف سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در مورد علل اصلی و چگونگی پیشگیری از فساد و معائب اجتماعی پی برد. اما به رغم نگرش ضدخلقی این دارودسته مزدور امپریالیستهاست که انقلابیون کفونیست با درکی عقلانی و مادی از پدیده های اجتماعی به بررسی مادی این پدیده ها و ریشه های معیبتهای اجتماعی و آسیبهای ناشی از آن پرداخته و شناخت خود را برای توده های تحت تسلط توضیح میدهند و از آن مهمتر راه نجات واقعی از شرایط هولناک و دهشتناکی را که توده های میلیونی کارگر و زحمتکش در آن دست و پا میکنند را عملاً در پیشروی آنها میکشاند. راهی که عبارتست از سرنگونی انقلابی و تهر آسیر سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه داری وابسته که از سوی رژیم مزدور جمهوری اسلامی حفاظت و حیانت میگردد، برای ما ختمان سوسیالیسم و تنها به این طریق است که سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی بعنوان بزرگترین عوامل فساد و بزهکاریهای اجتماعی مجازات شده و به همسراه مناسبات کثیف امپریالیستی به زیاده دان تاریخ پوتاب خواهند رفت و با برپاشی حاکمیت انقلابی کارگران و زحمتکشسان یعنی جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر امر بازسازی زندگی سوسیالیست فلاکت بار توده های تحت تسلط و ترمیم آسیبهای اجتماعی بطور واقعی آغاز خواهد گردید و در پروسه نابودی طبقات مآ با پروسه نابودی قطعی چنین پدیده های مآ مواجه خواهیم گشت.



جای هر قطره خون

من همان روز، همان لحظه که رگباری در دره کوچک سیلی زد
به سکوت و به سحر
من همان روز، همان لحظه که از لوله هر اسلحه جوخه اعدام هنوز
رشتهای دود رفیق

بسر می‌خاست
و هنوز از قلبت می‌جوشید
چند نواره برج‌ان و متیق
جای هر قطره خونت،
گفتم:

ای رفیق!
از زمین، دستی و از دست، تفنگی
خواهد رویشید.



من همان روز، همان لحظه که اعدام تو بر چوبه اعدام بخود می‌پیچید
و صدای توبه حلقوم شکست
و در آن بازپسین بند سرودت

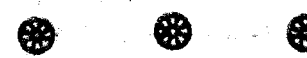
جای هر واژه و هر لفظی، خون از دهنت بیرون جست
من همان روز، همان لحظه که بی‌سعی و تفلانی ماندی برجا
و سرت خم شد و بر سینه خاموش سنگینی کرد
چون سکوتی سنگین، دهشترا

روی آن دره، در آن صبح نه‌آلود و سرد
من همان روز، همان لحظه غروشدیم و با خود گفتم:
گرچه آویخته‌ای

اینچنین هست، چنین سرد
بر این چوبه‌دار،

عزم و ایستایی اگر هست و نبردی، همه از توست رفیق
پایمردی همه از توست، رفیق.
جای هر قطره خونت،
گفتم:

ای رفیق!
از زمین، دستی و از دست، تفنگی
خواهد رویشید.

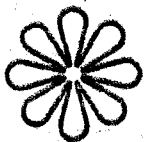


و نمی‌بینی امروز دیگر؟
دستها را... و تفنگی هر دست...
هر نسیمی با خود بوی رهاشی دارد
بوی جانپور رزم
و رهاشی با خود، مهر فدائی دارد؛
دستی افراشته، در دست، تفنگ...

تو فدا کردی خود را، و رهاشی با توست
پایتخت هر که رهاشی را جست
پایتخت هر که ترا جست، رفیق.
خونت از خاطر خلق

هر چه جز فکر رهاشی، همه را شست، رفیق.
و من آن روز، همان روز، شکفتا
با چه ایستایی، با خود گفتم:
ای رفیق!

از زمین، دستی و از دست، تفنگی
خواهد رویشید.



ژوشن حدود ۲۰۰ تانک T72 از چکسلواکی و ۴ کشتی جنگی از لهستان خریداری کرده و قرارداد احداث یک کارخانه تولید موشک ضدتانک را نیز با رومانی منعقد نموده است.

+ + +

- در اوائل مرداد ماه رژیم مزدور ترکیه ۴ پناهنده ایرانی را به جمهوری اسلامی تحویل داد و براساس گزارشات رسیده بنابه توافقات دو کشور در این زمینه، زندگسی ۸۰۰ پناهنده دیگر ایرانی نیز با خطر مواجه میباشد.

+ + +

- سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی در کرمان ۱۲ ماه است که به پناهنده ارائه بین های کاری به کارگران بطور مستمر ماهانه مبلغ ۳۰۰ تومان از حقوق زحمتکشان تاغیل در این اداره کسر می نمایند در حالیکه تاکنون تنها در دومورد از این بین ها به زحمتکشان این اداره تحویل داده شده است.

+ + +

- در چهارچوب توافقات ایران و ترکیه برای کنترل مرزها دو کشور فرمانداری و ژاندارمری منطقه شمال غربی اعلام کردند دو پایگاه و هفت برج دیده بانی جدید در شهرک سلماس تاسیس شده است این خبر در شرایطی اعلام میشود که در حال حاضر ۲۴ پایگاه مرزی و ۲۰۰ برج مراقبت و دیده بانی در امتداد مرز مشترک ۴۵۰ کیلومتری ایران و ترکیه وجود دارد.

+ + +

- با آغاز تابستان امسال اکثر مناطق تهران از نازی آباد، مولوی، شاهپور، امیریه و منیریه گرفته تا سراه آذری و نیروی هوایی، تهران نو و تهران پارس با کمبود آب مواجه بودند و باین ترتیب مشکل کمبود آب نیز به قطع مکرر جریان برق در طول شبانه روز اضافه شده و زندگی را برای مردم هرچه مشکلتر نموده است در تهران شایع است که دولت قصد دارد با ایجاد مصنوعی کمبود آبهای مصرف آنسرا افزایش دهد.

+ + +

- رژیم اعلام کرد که از اول مردادماه ۵۰ هزار معتاد را به اردوگاههای کار اجباری در نزدیکی مرز افغانستان فرستاده و ۴۰ هزار معتاد دیگر را نیز در موضعات باصطلاح رفاهی زندانها تحت معالجه قرار خواهد داد لازم به یادآوری است که یکی از معتادان با نوشتن نامه ای به یکی از روزنامه های تهران شرایط این باصطلاح موضعات رفاهی که معتادان را برای ترک اعتیاد بانجا میبرند را چنین توصیف نموده است: "به ما غذای بخور و نمیری داده میشود به طوری که ما همیشه گرسنه هستیم" و "به علت کمبود آب و مابون شهباز بر و رویمان بالا میرود" و "ما مجبوریم بجای متکا از گفشیایمان استفاده کنیم".

+ + +

- در شرایطی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حدود ۸۰۰ نفر را در ماههای اخیر به دلیل باصطلاح مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر اعدام نموده است جعفری نماینده ارومیه در مجلس اعلام کرد که: "بزرگترین باندهای قاچاق

اخبار و

گزارشهای خبری

- اخیراً عده اش از کارگران موقت شرکت نفت خرم آباد به دلیل کمی حقوق و عدم پرداخت مزایای قاضونی شان از سوی شرکت مزبور به اعتراض برخاسته و در تداوم این اعتراض برای رسیدن به خواسته های شان از شرکت فوق به اداره کار شکایت می نمایند ولی با اینکه این اداره رسماً حق را به کارگران میدهد شرکت مزبور از پرداخت مزایا و افزایش حقوق آنها خودداری نموده است.

+ + +

- بدلیل کمبود علوفه در تهران دامداریهای این شهر به دادن زیاله به دامهای خود روی آورده و به همین دلیل نیز قیمت هر کامیون زیاله به ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان رسیده است.

+ + +

- اخیراً کمبود نان به طرز چشمگیری در تهران افزایش یافته و باعث تشکیل صفهای طولی در برابر نانواشپهایی تهران گردیده است.

+ + +

- در ۲۸ مردادماه جمهوری اسلامی در چهارچوب باصطلاح مبارزه اش بر علیه قاچاق مواد مخدر ۷۹ نفر دیگر را اعدام نمود و باین ترتیب تعداد قربانیان موج جدید اعدام قاچاقچیان مواد مخدر به ۸۵۱ نفر رسید.

+ + +

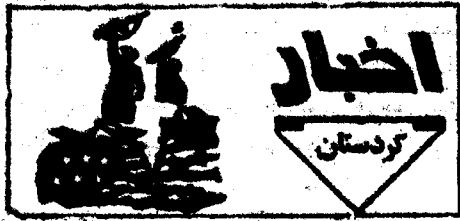
- بر اثر باصطلاح مبارزه جمهوری اسلامی با مواد مخدر تنها موادی که کمیاب گشته است حشیش میباشد در حالیکه هروئین و تریاک همچنان به وفور توزیع میگردد.

+ + +

- رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در یک اقدام فریبکارانه عده اش از خبرنگارانی که برای تهیه گزارش از نمایشات انتخاباتی اخیر به تهران آمده بودند را به بازداشت شکنجه گاه اوین برد تا با نشان دادن سلولهای خالی به آنها اینطور بنمایاند که اکثر زندانیان از زندان آزاد شده اند. و باین وسیله با موج بزرگ تبلیغات بر علیه جنایتها پیش به مقابله برخیزد.

+ + +

- نشریه وال استریت ژورنال در شماره ۸ ژوشن خود گزارش داد که جمهوری اسلامی از ماه فوریه تا ۸۹ تا ماه



بین المللی مواد مخدر در ارومیه در خانه‌های امن بسوز
مینبرند ولی مقامات سیاسی استان توجهی به آن ندارند.
فروغین نوارهای مبتذل و عکسها از مرز ترکیه به فراسوی
کشور وارد میگردد و اولین میدان مبادان بین المللی قشر
جوان محصل است که حدود ۸ هزار نفر فعلا در ارومیه
معناده وجود دارد.

+ + +

- روزنامه واشنگتن پست با درج گزارشی در مورد مسئله
انتخابات ریاست جمهوری ایران به نقل از یکی از
کارشناسان آمریکایی مسائل ایران نوشت: "اگر قرار بود من
فردی را برای ریاست جمهوری انتخاب کنم رفسنجانی یکی از
چهره‌هایی است که از منظر و واقع بینی برخوردار است."

+ + +

- در تاریخ ۶۸/۲/۱۰ کشتی حامل مواد مرگبار شیمیایی
که جمهوری اسلامی بطور محرمانه از آلمان خریداری کرده
بود در بندر دومی توقیف شد و بار دیگر کوششهای جمهوری
اسلامی برای تهیه سلاحهای شیمیایی و نقش امپریالیستها در
این رابطه آشکار گردید.

+ + +

- براساس گزارش واحد بسیج جمهوری ایگمی در روزهای پس
از مرگ خمینی این ارگان سرکوبگر با ده هزار مورد ایست
بازرسی وظیفه ضد خلقی خود را پیش برده است لازم به یادآوری
است که پس از مرگ خمینی حداقل بمدت ۲ روز در تهران و
شهرهای بزرگ رژیم به تداوم امنیت کم سابقه‌ای مبادرت
نمود و نوعی حکومت نظامی اعلام نشده در این شهرها بمسود
اجرا گذاشته شد.

+ + +

- نگاهی به قیمت برخی از کالاهای مصرفی در خرداد و تیر
ماه با توجه به این واقعیت که حداقل دسهمزد یک کارگر
۸۲ تومان معین شده و برای نمونه کارگرانی با ۱۵ سال
سابقه کار در کارخانه نخب ریمی شهرما تنها ماهانه ۳۰۰۰
تومان حقوق میگیرند خود بروشنی نشان دهنده آن شرایط
دهشتناکی است که نظام گنبدیده سرمایه‌داری وابسته برای
مردم ما به بار آورده است.

تخم مرغ	یک عدد	۵ تومان
روغن	۵ کیلو	۱۲۰۰ تومان
پودر وختشویی متوسط	یک عدد	۸۰ تومان
گوشت	یک کیلو	۲۳۰ تومان
مرغ	یک کیلو	۱۲۰ تومان
برنج تایلندی	یک کیلو	۲۵ تومان
برنج ایرانی	یک کیلو	۸۰ تا ۹۰ تومان
چای	یک کیلو	۳۰۰ تومان
شکر	یک کیلو	۱۵۰ تومان
تلویزیون سیاه و سفید	یک دستگاه	۲۰ هزار تومان
تلویزیون رنگی	یک دستگاه	۲۰ تا ۹۰ هزار تومان
اتوبیروی مدل ناسیونال	یک دستگاه	۳۲۰۰ تومان



- اخبار واصله از کردستان حاکی از آن است که با شروع
فصل گرما در ماههای اخیر بیماری مہلک و واگیر سرداری
گریبانگیر شده‌های ستمدیده کردستان شده است.

در همین رابطه شماری از مردم بیگناه شهرها و
روستاها کردستان قربانی وضع وخیم بهداشت و کمبود دارو
و بی‌مکانی گشته و در اثر این بیماری جان سپرده‌اند.
طبق آمار دریاختی تاکنون در منطقه خانی از توابع
پیرانشهر ۸۰ نفر، در سردشت بین ۳۰ تا ۴۰ نفر و در سقز
نیز ۱۲ نفر در اثر شیوع این بیماری مہلک جان سپرده‌اند، لازم
به یادآوری است که مراکز درمانی و بیمارستانهای شهرهای
نامبرده از برکت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی فاقند
کمترین امکانات پیشگیرنده و مداوا کننده این بیماری
هستند و توده‌های ستمدیده حتی نمیتوانند داروهای درمان -
کننده این بیماری را از داروخانه‌های شهرهای کردستان
تهیه نمایند به همین دلیل نیز روز بروز بر قربانیان این
مرض خطرناک افزوده میگردد.

+ + +

- مطابق اخبار دریاختی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در
چهارچوب اجرای توطئه‌های سرکوبگرانه خویش بر علیه جنبش
انقلابی خلق کرد، قصد دارد طرح جدیدی را به مورد اجرا
بگذارد که مطابق آن با کوچاندن اجباری زحمتکشان روستاها
۱۵ کیلومتر از نوارمرزی منطقه کردستان را از سکنه خالی
کند. مطابق گزارشات واصله اجرای طرح ضد خلقی تخلیه نوار
مرزی به طول ۱۵ کیلومتر بخشی از روستاهای مناطق سردشت
و پیرانشهر نظیر آلتوان، گانی زرد و تمامی روستاهای
آلان سردشت را در برمیگیرد.

+ + +

- اخبار رسیده حاکی از آن است که رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی به منظور ترتیب هرچه بیشتر نمایشات تبعیضت بسا
خامنه‌ای حنا پتکار، رهبر جدید سگان زنجیری امپریالیسم در
ایران، فشارهای هرچه زیاده‌تری را در شهرهای کردستان و
منجمله در سردشت و مهاباد و سقز بر توده‌های تحت ستم وارد
میکند.

مطابق این اخبار، رژیم صرف نظر از بسیج و سازماندهی
افراد مزدور و حزب‌انہی خود برای زیارت و سینه زنی بسر
مزار خمینی خون آشام و نمایشات اعلام بیعت با خامنه‌ای
جانی، به اجبار، بخشی از کارمندان ادارات، کسبه، و سایر
اقتدار تحت ستم را به مدت چند روز از کار بیگار ساخته و



به عنوان سبیل افراد باصطلاح عزادار و نمایندگان اقلیت مختلف "امت حزب الله" در کردستان به تهران گسیل داشته در همین رابطه مزدوران رژیم تمامی امکانات نظیر استفاده رایگان از اتوبوسهای مسافری، دادن غذای مجاني و غیره را به کار گرفته تا توده‌های تحت‌ستم هرچه بیشتری را از شهرهای کردستان به پایتخت اعزام نمایند.

+ + +

- بر اثر جاری شدن سیل در شهرستان دیواندره کردستان دو تن از روستائیان زحمتکش جان خود را از دست دادند و خسارت سنگینی به اهالی رنجیده روستاهای قسزجسه و سلطان آباد وارد آمد.

+ + +

- اخیراً رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به اهالی روستاهای "گسوره شبر"، "توکان" و "توزله" منطقه سردشت اعطای کرده است که باید خانه و کاشانه خود را رها کرده و به شهر سردشت کوچ نمایند. رژیم حنایتکار جمهوری اسلامی باین وسیله قصد دارد ارتباط پیشمرگان خلق کرد با توده‌های روستایی را در این منطقه قطع نماید.

+ + +

- اخیراً پاسداران رژیم به روستاهای بخش جمشار سنندج رفته و به تمامی روستائیان زحمتکش اعلام نمودند که باید زمینهای خود را در دوران قیام مصادره کرده‌اند و به صاحبان قبلیشان پس دهند. پاسداران با وقاحت تمام به روستائیان گفته‌اند که: "شماها به چه حقی اقدام به مصادره زمینها نمودید و آنها را بین خود تقسیم کردید" در مقابل این اقدام ضد خلقی روستائیان متعدها دست به اعتراض زده و اعلام میکنند که ده سال است دارند روی این زمینها کار میکنند و این قطعه زمینها تنها مورد آسود زندگی بخور و نمیرشان میباشد و به هیچوجه حاضر نیستند آنها را از دست بدهند. در ادامه این اعتراض عده‌ای از روستائیان به شهر سنندج رفته و در مقابل اداره هیات واگذاری زمین تجمع نموده و خواهان لغو این حکم میشوند و سپس پیش‌امام جمعه سنندج رفته و از او میخواهند که در این زمینه بآنها کمک نماید ولی هسم امام جمعه سنندج و هم هیئت واگذاری زمین اعلام میکنند که باید زمینها به صاحبان قبلیشان مسترد گردد.

+ + +

- در شهر مریوان مدتهاست که تهیه نان به یکی از معضلات مردم تبدیل شده است و بدلیل کمبود نان مردم باید ساعتها در صفهای طویل انتظار کشیده تا بتوانند تنها چند عدد نان که تازه کفاف نیازشان را نیز نمیدهد تهیه نمایند.

+ + +

- اخیراً جمهوری اسلامی در شهر بانه به بهانه اسفالت کوچه‌ها به چپاول توده‌ها پرداخته و قصد دارد در ازاء هر یک متر اسفالت ۵۰ تومان اخاذی نماید. اما اهالی شهر در مقابل این سیاست چپاول گرانه به اعتراض برخاسته و میگویند اسفالت کوچه جزو وظایف خود رژیم میباشد.

+ + +

- بنابه گزارش موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح دروشد امپریالیسم آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۹ به بیش از هفتاد کشور جهان سلاح و تجهیزات نظامی مالد کرده و با اختصاص ۲۵٪ از کل صادرات تسلیحات نظامی در جهان به خود، مقام اول را در میان فروشندگان سلاح در سطح جهانی کسب نموده است.

+ + +

- مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ پنجم مرداد مساه بوده نظامی ۳۰۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری این کشور را به تصویب رساند.

+ + +

- بنابه گزارش سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه تعداد بیکاران در کشورهای اروپای غربی به ۱۸ میلیون نفر رسیده است.

+ + +

- بنابه گزارشات منتشر شده طی سال گذشته میلادی دول امپریالیستی بیش از ۲۲ میلیون و پانصد هزار تن مواد سمی و خطرناک حاصل از کارکرد صنایع خود را در قاره افریقا دفن نموده‌اند. در سالهای اخیر دفن مواد سمی و زباله‌های اتمی در افریقا عوارض خطرناکی در برداشته و برای نمونه در نیجریه و کینه استوایی با الوده نمودن محیط زیست باعث بیماریهای مختلفی گردیده است.

+ + +

- سرانجام محاکمه فرمایشی الیور نورث که نقش برجسته‌ای در افتتاح ایران گیت به عهده داشت پایان یافت و دادگاه او را به ۳ سال زندان تعلیقی و پرداخت ۱۵۰ هزار دلار جریمه نقدی و ۱۲۰۰ ساعت کار اجباری محکوم نمود. الیور نورث تاکید نموده که صدور اسلحه به جمهوری اسلامی و کمک به ضد انقلابیون نیکار گوشه را با اطلاع بالاترین مقامات آمریکا انجام داده است.

+ + +

- در پی تظاهرات دانشجویان مبارز در نیجریه رژیم ضد خلقی این کشور به منظور جلوگیری از گسترش اعتراضات و راهپیماییهای دانشجویی اقدام به تعطیل دودانشگاه نمود.

+ + +

- در فیلمین چریکهای ارتش نوین خلق با تعرض به عناصر خود فروخته و ضد خلقی موسوم به "پارتیزانهای فدکونیست" که در یکی از روستاهای ایالت داواتو تجمع نموده بودند

+ + +
- در مداوم مبارزات کارگران و دانشجویان بر علیه رژیم فدائلی کره جنوبی دانشجویان مبارز این کشور با کوشش مولوتف ستاد برنا مه ریزی امنیت این کشور که یکی از شعبه های سازمان اطلاعاتی کره میباشد را مورد پورش قرار دادند. و در همان حال یکی از مراکز فرهنگی امریکا حمله کرده و شیشه هایش را خرد نمودند.

+ + +
- آمریکا بودجه نجومی ۱۴/۳ میلیارد دلار کمک به کشورهای دیگر را تصویب کرد.
بودجه نظامی آمریکا برای برخی کشورها به قرار زیر است: السالوادور ۸۵ میلیون دلار، فیلیپین ۱۶۰ میلیون دلار، لهستان ۲۳ میلیون دلار و مجارستان ۵ میلیون دلار.

+ + +
- اعتصاب کارگران معادن سیبری که از مدتی پیش شروع شده بود به اوگراشین رسید و تعداد اعتصابگران تا ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافت. اعتصابگران خواهان شرایط زندگی بهتر، قدرت بیشتر به روسایی که خود انتخاب میکنند بودند.

+ + +
- مکزیک ۱۰۰ میلیارد دلار به کشورهای مختلف بدهکار است. یک کارگر باید حدود ۲۵ دقیقه کار کند تا بتواند یک قوطی شیر بخرد.

+ + +
- مردم محله های فقیر نشین (حصیر آباد) پایتخت مراکش روز جمعه ۲۱ جولای در اعتراض به نقل مکان آنان توسط دولت با پرتاب سنگ بطرف وسائل نقلیه، خیابان اصلی شمسال پایتخت را بستند.

+ + +
- در چهار ماهه دوم سال مالی جاری شرکت IBM سود شگفت آور ۲۹٪ را داشته است این رقم بزرگترین سودآوری شرکت مزبور در آمریکا میباشد.

+ + +
- کسری بودجه آمریکا علیرغم پیش بینی های قبلی برای ماه ماه may به ۱۰/۲۴ میلیارد دلار رسید که حدود ۲ میلیارد دلار بیش از کسری بودجه ماه آوریل میباشد.

+ + +
- هیئتی نیوتون از بنیانگذاران حزب پلنگان سیاه در سالهای ۶۰ روز سه شنبه ۲۲ اوت در اوکلند کالیفرنیا در اثر برخورد ۳ گلوله به مغزش کشته شد. نیوتون که ۴۷ سال داشت و دکترای علوم اجتماعی گرفته بود، از بزرگترین سازماندهندگان جنبش سیاهان در آمریکا بود، وی تنها جریانی را که مبارزه مسلحانه علیه نیروهای نظامی آمریکا را تبلیغ و دنبال میکرد سازماندهی نمود.

دهها تن از این مزدوران را به هلاکت رساندند "پارتیزانهای فدکمونست" را رژیم ضد خلقی فیلیپین تحت پوشش کلیسا برای مبارزه بر علیه ارتش نوین خلق سازماندهی کرده و این دارو دسته در ارتباط تنگاتنگی با میسیونها مذهبی امریکا در فیلیپین میباشد.

+ + +
- پس از سرکوب وحشیانه تظاهرات دانشجویان و کارگران چینی بوسیله دولت چین و اعدام عده ای از رهبران و سازماندهندگان این جنبش، رویزیونیستهای چینی بطور گسترده ای به شکار دانشجویان و کارگران فعال پرداخته و مطابق گزارشات منتشر شده حداقل دوهزارتن را تا کنون بازداشت کرده اند.

+ + +
- مبارزین سری لانکا مسئول جدید رادیو تلویزیون این کشور را که مسئول سانور اخبار بوده طی یک پورش در جلوی درب خانه اش در کلمبو به هلاکت رساندند.

+ + +
- مبارزین آفریقای جنوبی با تعرض به نیروهای سرکوبگر رژیم نژادپرست این کشور در شهرک سووتو دو تن را کشته و دو تن را زخمی نمودند در همان حال اعلام شد که رژیم جنایتکار این کشور در یک اقدام سرکوبگرانه ۲۷ نفر از مردم بیگناه نامیبیا را به قتل رسانده است.

+ + +
- مبارزین سومالی اعلام کردند که تعرض ارتش سومالی به شهر "اری گاثو" را درهم شکسته و حدود ۲۰۵ نفر از نیروهای این ارتش را به هلاکت رسانده اند.

+ + +
- مبارزین فلسطینی با انداختن ۱۱ گویک ملوتف بطرف گشتی های ارتش جنایتکار اسرائیل خساراتی به نیروهای سرکوبگر اسرائیل وارد نمودند.

+ + +
- حدود ۲۰۰۰ نفر از زندانیان سیاسی ترکیه در اعتراض به نبود ملاقات، بدی غذا و وضع اسفبار زندانهای این کشور به اعتصاب غذا مبادرت نمودند. مزدوران رژیم با حمله به زندانیان اعتصابی چند تن از زندانیان را بیهوشه شهادت رساندند ولی با این همه اعتصاب ادامه یافته و وارد هفتمین هفته خود شد. بر اثر این حرکت انقلابی دولت ترکیه مجبور شد تغییراتی در قوانین ارتجایی خود در رابطه با زندانها صورت دهد در ضمن خانواده های زندانیان سیاسی نیز به منظور پشتیبانی از فرزندان مبارزانشان در برادره استانی استان آیدین در غرب ترکیه تجمع نمودند در استانبول نیز در اعتراض به اعمال کثیف پلیس ترکیه در حق زندانیان تظاهراتی رخ داد که مورد پورش پلیس ترکیه قرار گرفته و ۲۵ تن دستگیر شدند.

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

آحاد جامعه تنها صاحب ۳۲ تمامی ثروتهای ایران میباشد.

+ + +

- سازمان برنامه و بودجه اعلام نمود که درآمد متوسط سوانه مردم ایران در سال ۱۳۶۶ البته به قیمت ثابت سال ۱۳۵۲ به ۵۵۰۰ تومان رسیده است در حالیکه این رقم در سال ۱۳۵۶ بازده هزار تومان بوده است.

+ + +

- بنابه گزارش سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی طی معاینات پزشکی در یکی از کارخانه های کشور در سال ۶۲ از ۵۶۰ نفر کارگرانی که مورد آزمایش شنوایی قرار گرفتند روشن شده که تعداد ۲۵۱ نفر بعلت سروصدای بسیار ناشی از محیط کار به اختلال در سیستم شنوایی مبتلا گردیده اند.

+ + +

- دکتر باریگر رئیس سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی در چهارمین سمینار سراسری مداخله ای اجتماعی اعلام کرد: در هر ساعت ۲۰ نفر به معلولین کشور افزوده میشود وی معضلات و کمبودهای محیط کار کارگران و معضلاتی نظیر اعتیاد و کمبودهای پزشکی و درمانی را دلیل این امر عنوان نمود.

+ + +

- نماینده ملای در مجلس اعلام نمود که ۱۷۰ روستای منطقه ملای فاقد مدرسه میباشد. در همین رابطه در آمار مرکز آمار رژیم آمده است که هفتادونیم درصد جمعیت شغال در بخش کشاورزی بیهواد هستند و بین کسانی هم که سواد دارند ۵۶/۱ درصد فقط در سطح ابتدائی سواد دارند و کمتر از دوسوم درصد از جمعیت شغال کشاورزی یعنی ۵۲۶۸ نفر در سراسر مملکت دارای تحصیلات عالی میباشد که ۱/۵ این عده نیز در شهرها سکونت دارند.

+ + +

- براساس آمار سازمان عفو بین الملل که البته تنها نشانه دهنده گوشه کوچکی از واقعیت است در چند سال اخیر ۱۰۰۰۰ تنی اعدامهای جهان تنها در جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

+ + +

- براساس خبر مندرج در بولتن رسمی آماری سوئد چاپ استکهلم در سال ۱۹۸۸ از تعداد ۱۶۳۰۰ پناهندهای گسوار کشورهای خاورمیانه به سوئد مهاجرت کرده و تقاضای پناهندهگی کرده اند پناهندگان ایرانی مقام اول را داشته اند.



روزشمار تیر و مرداد ماه

از صفحه ۲۹

برعلیه دکتر محمد صدق

- ۱۳۵۲/۵/۲۵ شهادت مجاهد خلق فاطمه

اسینسی

- ۱۳۵۷/۵/۲۹ فاجعه آتش سوزی سینما

رکس آبادان

- ۱۳۵۸/۵/۲۸ اعلام جهاد خمینی برعلیه

خلق کرد و پرورش و پرمیغ نیروهای سرکوبگر

جمهوری اسلامی به کردستان



- انریکه بنزالس یک ستار دولتی پرو پس از اعصاب یک میلیون نفر در پرو تحت رهبری چریکهای حزب کمونیست پرو (راه درخشان) گفت: "راه درخشان دیگر آن نیروی کوچک محلی نیست آنها اکنون میتوانند بندگان پرو را قطع کنند".

+ + +

- برای چندمین بار چریکهای ارتش رها شیبخش ملسی به اصلی ترین لوله نفت کشور کلمبیا حمله کرده و با دینامیت لوله های نفت را منفجر کردند. تاکنون ۲۵ بار چینی حملاتی به لوله های نفت صورت گرفته و باعث ۲۰ درصد کاهش در تولید نفت گشته است.

+ + +

- طبق گزارشات پلیس نظامی پرو چریکهای حزب کمونیست این کشور (راه درخشان) با از کار انداختن دکل های برق، تولید بزرگترین کارخانه ذوب آهن پرو را متوقف کردند. آنها با منفجر کردن ۲ دکل برق در شهر لاورویا این عملیات را به انجام رساندند.

+ + +

- بیش از ۵۰ تن از جوانان اوگاندا در اثر خفگی گشته شدند. این عده جز ۲۷۶ نفری بودند که توسط پلیس نظامی اوگاندا به منظور یافتن چریکهای ارتش خلق اوگاندا دستگیر و به مدت یک هفته در واگنهای قطارهای باریبری که استفاده نمیشد حبس گشته بودند.

+ + +

- مامورین اف.بی.آی. در آمریکا ۳ نفر ایرلندی را به جرم خرید مواد منفجره، وسایل خنثی سازی بمب، موشکهای هدایتی کوچکتر و غیره برای ارتش جمهوریخواه ایرلند دستگیر ساختند.

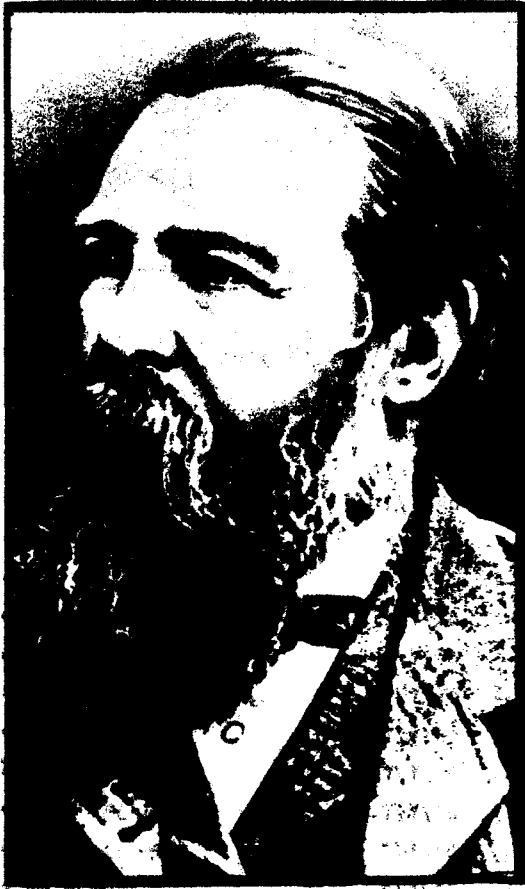


ایران از دریچه آمار

- چندی پیش مطبوعات رژیم اعلام کردند که ۹۵٪ دارائیهای مملکت تنها در دست ۲٪ از آحاد جامعه متمرکز یافته و این در شرایطی است که ۵۰٪ جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی میکنند اخیرا نیز معاون وزیر اقتصاد و دارائی رژیم اعلام نمود ۷۵٪ از کل ثروتهای موجود در ایران در حیطه نفوذ ۲۰٪ از جمعیت کشور قرار گرفته و ۴۰٪ از آحاد جامعه فقط از ۲٪ میزان دارائیهای کشور برخوردار میباشد و ۴۰٪ بقیه جمعیت نیز معادل ۲۲٪ دارائیهای کشور را در اختیار دارند.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه رژیم طی مصاحبه اشلی اعلام کرد که در کشور کسانی هستند که روزانه تا ۷۰۰ هزار تومان درآمد داشته و اینگونه افراد میلیاردها تومان ثروت اندوزی کرده اند.

بنابه آمار دیگری بیش از ۵ میلیون نفر از جمعیت کشور روزانه فقط ۶ تومان درآمد دارند اداره کل آمار جمهوری اسلامی اعلام کرده است که ۱/۳ از کل ثروت موجود در ایران تنها در نزد ۱/۱۰ جمعیت کشور تلسبار شده و ۲۰٪ از کل



جاودان باد خاطره

فردریک انگلس

اندیشمند

کمیو طبقه کارگر

حزب دمکرات

و عواقب مذاکره با جمهوری اسلامی

ترور دبیرکل حزب دمکرات کرستان ایران در پشت میز مذاکره با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، به وسیله مزدوران این رژیم جنایتکار بار دیگر مذاکرات این حزب با دشمن ددمنف خلقهای ایران را "علفی" نمود و نتیجه سیاستهای رسوای این حزب و عدول از سیاستهای اصولی را همیشه در مقابل دید همگان قرار داد.

مذاکراتی که بقول این حزب به منظور با مصلاح با فتن "راه سلامت آمیزی" (۱) برای "مشله کرستان" سازمان یافته بود سرانجام به "قهرآمیز" ترین شکلی از سوی جمهوری اسلامی پاسخ داده شد و بار دیگر ورعکستگی تام و تمام سیاستهای سازشکارانه رهبری حزب دمکرات را به اثبات رساند؛ همان سیاستهای سازشکارانه‌ای که "شمار تاکتیکی" (۲) سرنگونی رژیم را به "شمار تاکتیکی" مذاکره با رژیم تبدیل میکرد و بجای مبارزه در جهت سرنگونی این رژیم جنایتکار این توهم را ابداع میداد در صفحه ۱۲

۱- نشریه کرستان شماره ۱۵۲

۲- برای ترک مفهوم "شمار تاکتیکی" در نزد حزب دمکرات می‌توان به توضیحات این حزب در این زمینه در جزوه "بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم" صفحه ۵ رجوع نمود.

رفقای هوادار:
اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع‌آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی بگویند

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه

F. S
B. P. 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND



ساعات پستی:

۹ شب و

۵ ر ۶ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

رو یک ۷۵ متر

صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!